

امام با استفاده از اصل ولایت فقیه اختیارات تازه‌ای به مجلس دادند

حجت‌الاسلام والمسلمین هاشمی رفسنجانی رئیس مجلس شورای اسلامی طی نامه‌ای به حضور امام خمینی رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران در مورد اعمال ولایت و تنفیذ مقام رهبری درباره برخی از قوانین که در مجلس به تصویب میرسد کسب تکلیف کرد. متن این نامه چنین است:

بسم الله الرحمن الرحیم - محضر شریف حضرت آیت‌العظمی امام خمینی مدظله العالی .
چنانکه خاطر مبارک مستحضر است، قسمتی از قوانینی که در مجلس شورای اسلامی به تصویب می‌رسد، به لحاظ تنظیمات کل امور و ضرورت حفظ مصالح با دفع مقاصد است که برحسب احکام ثانویه بطور موقت باید اجرا شود و در متن واقع مربوط به اجرای احکام و سیاست‌های اسلام و جهاتی است که شعائر مقدس را ضعیف می‌سازد یا آنها را تضعیف می‌کند. قوانین اعمال و تنفیذ مقام رهبری که طبق قانون اساسی شورای سبکدوش را تحت نظر دارند، احتیاج پیدا می‌شود، علیهذا تقاضا دارم مجلس شورای اسلامی را در این موضوع مساعدت و ارشاد فرمائید.

یاسنج امام

متن پاسخ امام خمینی رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران به نامه رئیس مجلس شورای اسلامی چنین شرح است:

بسم الله الرحمن الرحیم - آنچه در حفظ نظام جمهوری اسلامی مخالفت دارد، که فعل یا ترک آن موجب اختلال نظام می‌شود و آنچه ضرورت دارد که ترک آن باطل آن مسئله فساد است و آنچه فعل یا ترک آن مستلزم هرج است پس از تشخیص موضوع بوسیله اکثریت وکلای مجلس شورای اسلامی با تصریح به موقت بودن آن مادام که موضوع محقق است و پس از رفع موضوع خود بهبود لغو می‌شود، مجازند در تصویب و اجرای آن و باید تصریح شود که هر یک از متصدیان اجرا از حدود مقرر تجاوز نمود، مجرم شناخته می‌شوند و تعقیب قانونی و ترمیم شرعی می‌شود.

بیانیه مشترک

فروش نفت و گاز و هم‌اوجت تامین نكولوژی و وسایل ضرور برای استخراج و بهره‌برداری صنعتی، تنها در چارچوب همکاری همه‌جانبه با کشورهای حسیه، جهانی صدامیربالیسی و کشورهای که در راه تامین استقلال اقتصادی خود کونا هستند، امکان‌پذیر است.

تأمين و تضمین استقلال اقتصادی، یعنی رهایی از وابستگی‌های استعماری و نواستعماری، بدون کوناکردن دست سرمایه‌داری غارتگر داخلی وابسته سه اقتصاد امپریالیستی، از تجارت خارجی و از بخش تعیین کننده، توزیع کالاهای ضرور در درون کشور و اجرای قاطع اصول ۴۳ و ۴۴ قانون اساسی، امکان‌پذیر نیست. بخش دولتی و تعاونی اقتصاد باید در این زمینه مواضع مسلط به دست آورند. جامعه تنها از این راه می‌تواند برفعالیت بخش خصوصی نظارت کند و به غارتگری بی‌بندوبار کلان سرمایه‌داران و محترکان و واسطه‌های بزرگ زالوصف، که در طول دو سال و نیم پس از انقلاب، به‌گونه‌ای انجام‌گسیخته، زحمتکشان میهن ما را غارت کرده‌اند، لگام زند.

لزوم پی‌ریزی يك اقتصاد خودکفای کشاورزی

رسیدن به استقلال اقتصادی بدون پی‌ریزی و سازماندهی یک اقتصاد خودکفای کشاورزی و دام‌داری، برپایه آخرین دستاوردهای علمی و تجارب اجتماعی کشورهای انقلابی، ممکن نیست.

نخستین گام در این راه پایان بخشیدن به نظام جنایت‌بار بزرگ‌مالکی است که هنوز، چون هشت‌پای خون‌آشام، آخرین رمق میلیون‌ها خانوار زحمتکش روستا را می‌مکد و بزرگترین مانع در راه ورود آزادی در روستا و رشد اقتصاد کشاورزی است. تصویب و اجرای بی‌خدشه و سریع قانون اصلاحات ارضی برپایه آنچه در شورای انقلاب مورد تأیید قرار گرفت، راه را برای این دگرگونی بنیادی در روستای ایران هموار می‌کند. ولی بدون تردید این تنها نخستین گام است.

پی‌ریزی یک اقتصاد کشاورزی که به حد مقدور خودکفا باشد تنها از راه گزینش شیوه‌های آزمایش شده برای افزایش تولید کشاورزی کشورهای کم‌رشد، مبرخواهد بود. برای کشور ما، که زحمتکش روستایش از ابتدایی‌ترین امکانات و وسایل مدرن کشاورزی و دامپروری محروم است، یگانه وسیله برای بازگردن راه رشد اقتصاد کشاورزی، ایجاد تعاونی‌های کشاورزی و دامداری و شرکت داولتیانه، دهقانان، با کمک همه‌جانبه دولت، در آن‌ها است. کمک دولت باید به صورت زیرین باشد:

- ایجاد مراکز تحویل و تعمیر ماشین‌های کشاورزی و تامین سوخت آن‌ها.
- تامین و تحویل کود ضرور ویدر مرغوب ویدر محصول.
- تاسیس و گسترش و فعال کردن مراکز خدمات کشاورزی و روستایی برای تحویل ماشین‌آلات، تحویل بذروکود، خدمات عمرانی و راهمایی دهقانان.
- واگذاری اعتبارات درازمدت و کم‌بهره.
- فعالیت دامنه‌دار برای تهیه آب، آبرسانی، برق رسانی و ساختمان راه‌های روستایی.

- خرید یکجا و با بها مناسب ماراد محصولات کشاورزی و قطع دست غارتگر سلف‌خران، واسطه‌ها و محترکان.

- کمک به ایجاد شبکه وسیع تعاونی‌های مصرف برای رفع نارسندی‌های روزمره روستائیان.

- کمک به ایجاد شوراهای ده در کلبه، روستاها و دادن اختیارات و امکانات مالی و قانونی به آن‌ها و تبدیل آن‌ها به ارگان‌های فعال و موثر قدرت دولتی در روستا.

استقلال فرهنگی

به موازات وابستگی اسارت‌بار سیاسی و اقتصادی، رژیم ننگ‌بار پهلوی اسارت فرهنگی میهن عزیز ما را، که خود دارای یکی از غنی‌ترین و باارزش‌ترین فرهنگ‌های جهان است، به فرهنگ در حال انحطاط غرب و به ویژه به "فرهنگ" منحل‌آمریکایی به بالاترین درجه، خود رسانید، - به جایی رسانید که گذاشتن نام "عظاری" و "با داروگری" روی تابلوها ننگ و عار به حساب می‌آمد و "سوپر مارکت" و "دراگ استور"، که ۹۹ درصد از مردم ایران معنای آن را نمی‌فهمیدند و نمی‌فهمند، نشانه، شخص و اعتبار شد.

کریه‌ترین داغ ننگ بر سیاست فرهنگی رژیم وابسته آریامهری واقعیت‌های سوادآموزی است. در کشوری با این همه امکانات اقتصادی و مالی، که کم‌تر کشور در حال رشد در جهان از آن برخوردار بوده است، در کشوری با این فرهنگ غنی و اصیل، کندی پیشرفت ابتدایی‌ترین پایه فرهنگ مترقی، که با سواد کردن نوده‌های میلیون‌ها زحمتکش است، کم‌نظر بوده است. همین بس که در آخرین سال فرمانروایی رژیم وابسته، سرنگون شده، خود رژیم مجبور شد اعتراف کند که بیش از ۹۴ درصد زبان روستایی از نعمت خواندن و نوشتن محروم است و امکان

سوادآموزی نداشته‌اند.

یکی از مهم‌ترین و مبرم‌ترین وظایفی که انقلاب شکوهمند میهن ما در برابر حاکمیت انقلابی گذاشت، همین پاره‌کردن زنجیرهای وابستگی اسارت‌بار فرهنگی به فرهنگ در حال انحطاط غرب و پی‌ریزی یک فرهنگ شکوفای ملی بود. امام - خمینی در رهنمودهای خود به مناسبت نهضت سوادآموزی و گسترش شبکه مدارس و مبارزه با غرب زدگی در فرهنگ، اهمیت این نبرد را به مسئولان کشور گوشزد کرده‌اند. گسترش شبکه مدارس ابتدایی در روستاها و شهرها و تصمیم دولت درباره کمک مالی به هر گروه مردمی که بخواهد مدرسه‌ای باز کند، البته گام‌های قابل تأییدی در این راه بوده است. ولی این‌ها فقط قطره‌هایی است در دریای نیاز سوزان میلیون‌ها مردم به فرهنگ.

کسودها، اشتباهات، خرابکاری‌ها... که در همه زمینه‌ها اثر گذاشته است، در این میدان هم به صورت مانع اصلی در برابر روند پیشرفت درآمد. به علت تسلط غرب‌زدگان و آمریکازدگان و پیروان خط لیبرالی سارشی و تسلیم بردولت موقت و دنباله‌روان آن، از یک سو، و عملکرد گروه‌های واپس‌گرا، که ساهرگوه اعتلای فرهنگ مردمی و پیشرو دشمنی می‌ورزند، از سوی دیگر، امکانات بسیار مساعد و بزرگی در دو سال و نیم دوران انقلاب از دست رفت، و ما امروز در برابر کوهی از دشواری‌ها بر سر راه توسعه فرهنگ مردمی پیشرو، فرار گرفته‌ایم.

دانشگاه‌ها، که وظیفه تربیت کادر علمی و فنی برای رشته‌های گوناگون اقتصاد، صنایع، کشاورزی، ساختمان، فرهنگ، آموزش و پرورش، سازماندهی کشور و غیره را برعهده دارند، به جز دانشگاه‌های علوم دینی و گوشه‌ای از دانشکده‌های پزشکی، در حال تعطیلند. بیش از صد هزار جوان دانشجو، که در دانشگاه‌ها مشغول تحصیل بودند، بی‌کار و بی‌هیچ دورنمایی برای زندگی، تشنه آموختن و به‌کار انداختن آموخته‌های خود در راه اعتلای فرهنگی و اقتصادی میهن، در حال انتظارند. هر سال ده‌ها هزار دانش‌آموز، دبیرستان‌ها را ترک می‌کنند و به این خیل عظیم می‌پیوندند. همه این‌ها در مجموع خود، زمین حاصلخیزی برای بذرافشایی‌های ضدانقلاب و رویاندن انواع انحرافات سیاسی و اخلاقی فراهم می‌آورد.

ولی به موازات این محرومیت‌ها برای صدها هزار جوان میهن ما، که اکثرشان از واسطگان به اقشار میانه و بخشی از فرزندان طبقات محروم‌اند، برای بیش از یکصد هزار نفر، که اکثر از اقشار ثروتمند و حتی از خانواده‌های غارتگران هستند، در دانشگاه‌های آمریکا، انگلستان، آلمان غربی، فرانسه، ایتالیا و سایر کشورهای امپریالیستی غرب، با برخوردار از همه‌گونه تسهیلات، امکان تحصیل فراهم می‌شود. پذیرش این دعوی دشوار است که گویا در دانشگاه‌های ایران فرزندان خلق، زیر نظر حاکمیت جمهوری اسلامی ایران، غرب‌زدگی پیدا می‌کنند، ولی فرزندان اقشار مرفه، با هزینه ماهیانه ۱۰۰۰۰ دلار و پرداخت هزینه تحصیلی سالیانه در حدود ۵ تا ۱۰ هزار دلار برای هرنفر، در دانشگاه‌های کالیفرنیا و لندن و پاریس، درست آن‌طور تربیت می‌شوند که جمهوری اسلامی ایران خواهان است!

این نقض آشکار با هیچ "رئهایی" قابل توجیه نیست.

نهضت سوادآموزی، که در آغاز نیروی عظیمی را با شور و شوق بخود جلب کرد، به علت تنگنری و فشری‌گری مسئولان در حقیقت به حال رکود افتاده است تا مدتی است که هزاران فرد علاقمند و آماده برای خدمت به مردم، که بسیاری از آنان حتی به هیچ سازمان و سمت‌گیری سیاسی وابستگی ندارند، تنها به این علت که از پاسخ گوئی به پرسش‌هایی که بسیاری از طلاب علوم دینی نیز از آن عاجزند از شرکت در بیگار علیه سوادآموزی محروم می‌مانند.

ما نمی‌توانیم تردید کنیم که در این میدان مهم نبرد هم، امیرانتظام‌ها، قطب‌زاده‌ها، بنی‌صدرها و کشمیری‌ها دست‌اندرکار بوده و هستند، تا با کمک آگاهانه و با ناآگاهانه عناصر تنگنری و فشری و با به‌کار بردن همان شیوه‌هایی که در میدان فعالیت سیاسی و اقتصادی به طور موثر به کار برده‌اند، رشد فرهنگ اجتماعی را کند کنند و هر جا بتوانند آن را به سیراه بکشاند. رشد یک جامعه در دیسای کوسی و آینده، بدون رشد همه‌جانبه فرهنگ عمومی آن، در زمینه‌های علوم، فنون، ادبیات، هنر و زمینه‌های دیگر غیر قابل تصور است. مسلماً می‌توان با چارچوب‌های بولادین جلو رشد طبیعی و مترقی فرهنگ یک جامعه را برای مدت زمان معینی گرفت، ولی چنین سیاستی، بدون هیچ تردید، آینده‌ای نخواهد داشت. اندیشه‌ها، اگر در جهت سیر تکاملی تاریخ بشری باشند علی‌رغم تمام تلاش‌های واپس‌گرایانه زنده می‌مانند و رشد می‌کنند. سیر تاریخ اسلام انقلابی و مردمی و نیز سیر تاریخ مارکسیسم، یعنی اندیشه انقلابی دوران معاصر ما، نمونه‌های برجسته این حکم تخطی‌ناپذیر تاریخند.

برپایه این اعتقادات است که حزب توده ایران و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) از حاکمیت جمهوری اسلامی ایران می‌خواهند که اجازه ندهند تحریکات عوامل دشمن انقلاب از یک سو، و عملکرد عناصر ناآگاه و خودمحمور و تنگنری و واپس‌گرا از سوی دیگر، جریان عظیم و سرنوشت‌ساز انقلاب فرهنگی را از سمت‌گیری اصیل خود منحرف سازند. هدف این سمت‌گیری نمی‌تواند چیزی

بیانیه مشترک

حزب توده ایران و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

چگونه بر دشواری های تثبیت، تحکیم و گسترش انقلاب شکوهمندمان چیره شویم!

حزب توده ایران و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)، با اعتقاد راسخ به این اصل، یعنی ضرورت تاریخی اتحاد همه نیروهای وفادار به آماج های انقلاب شکوهمندمان، نخستین گام را برای باسری چنین اتحادی برمی دارند و با ارائه یک تحلیل مشترک از لحظه کنونی، اردشواری ها و راه چیره شدن بر آن ها، همه نیروهای انقلابی راستین را، صرف نظر از تفاوت در عقاید مسلکی و مذهبی، به تلاش برای تحقق چنین اتحاد فراگیری از نیروهای انقلابی راستین کصبره، مهلکی بر همه توطئه های دشمنان انقلاب خواهد بود، فرامی خوانند.

دشواری های انقلاب

همه هواداران راستین انقلاب و مسئولان واقع بین جمهوری اسلامی ایران در این ارزیابی متفقند که انقلاب در راه تثبیت و تحکیم و گسترش خود با دشواری های فراوان روبروست.

بررسی کمی موشکافانه تر نشان می دهد که این دشواری ها به طور عمده دو سرچشمه دارند:

۱. توطئه همه جانبه و پیگیر حربه متحد دشمنان انقلاب ایران در خارج و داخل کشور:

۲. کمبودها و نارسایی های ناشی از بی تحرکی ها، اشتباهات، تنگنری ها، خودمحوری ها و ارزیابی های نادرست، از سوی بخش مهمی از نیروهای مدافع انقلاب و مسئولان جمهوری اسلامی ایران.

آنچه که از سرچشمه اول بیرون می ریزد، مجموعه اقدامات کین نوزانه ای است که به وسیله صف گسترده حربه متحد دشمنان انقلاب ایران، به سرکردگی امپریالیسم آمریکا، و با بسیاری همه عوامل شناخته شده و شناخته شده اش در جهان و ایران، بی دربی علیه انقلاب مینماید اما انجام می گیرد. حتی از این اقدامات قابل شدن و محسوس است، مانند: محاصره اقتصادی از سوی آمریکا و همسازش در اروپای غربی و ژاپن، توقف دارایی های ایران، توطئه کودتای طس، کودتای بوزه، حمله نظامی رژیم صدام به ایران، ایجاد آسوب و سوسر صدامغلاسی در کردستان، توطئه برای مسخ و منحرف ساختن انقلاب به بازی دست آمروانی چون امراضطام ها، فطبزاده ها، یزدی ها، بنی صدرها، سلاسل ها و سوری ها و دیگر لبرال های آمریکازده حربه ملی، "تهدیه آزادی"، "زنجیری ها" و سایر گروهک های آمریکاساخه، و سرانجام اجرای غندهای تروریستی - بخشی به دست ساواکی ها و سلطنت طلبان و جانبکاران حرفه ای و بخشی به دست گمراهان و باری خوردگان حواسی که به آلت بی اراده اجرای دستورهای سبکارانه، رهبران حاشی خود تبدیل شده اند.

گروه دیگر دشواری های ناشی از اقدامات امپریالیسم، به آسانی قابل دیدن هستند. این دشواری ها از یکسو به دست ستون بحم امپریالیسم در زمینه های اقتصادی، یعنی کلان سرمایه داران و بزرگ مالکان و وانسگان به افشار ممتاز جامعه ایجاد می شود، و از سوی دیگر به دست ستون بحم ستون امپریالیسم، یعنی ساواکی ها و سایر متفاله های آمریکا که خود را در نهادهای انقلابی و مقامات مسئول کشوری و لشگری و اطلاعاتی جمهوری اسلامی ایران در تقاب "مسلمان معتمد" جاده اند. این عناصر با خرابکاری های اقتصادی و سیاسی خود نظام جمهوری اسلامی ایران را مانند خوره از درون می خورند و ناتوان می کنند و سه شیوه های مزورانه تخم بغاق و دشمنی در میان مبارزان راه انقلاب - اعم از مسلمانان مبارز و دیگر نیروهای مدافع راستین انقلاب می کارند.

توطئه ناراضی تراشی یکی از عمده ترین ترفندهای دشمنان انقلاب، به سرکردگی امپریالیسم آمریکاست. این دشمنان سوگند خورده انقلاب، در دوران دو سال ونیمی که از پیروزی انقلاب می گذرد، با این واقعیت که برای آنان بسیار تلخ است، آشنا شده اند که، بدون ایجاد تزلزل در پایگاه اصلی انقلاب، یعنی در میان توده های ده ها میلیونی زحمتکش شهر و روستا، صریح زدن به انقلاب نتیجه مطلوب برایشان بار نخواهد آورد.

از این رو است که ناراضی کردن توده های میلیونی یکی از مهم ترین بخش های فعالیت نامرئی ضدانقلاب را تشکیل می دهد. این عمل به شیوه های گوناگون انجام می گیرد: هم از راه جلوگیری از دگرگونی های بنیادی به سود محرومان جامعه، تخریب در تولید و افزایش بیکاری، گران کردن کالاهای مورد نیاز همگان و غارت روز افزون درآمد ناچیز زحمتکشان به دست سرمایه داران رالوصفت، و هم

انقلاب شکوهمند ضد سلطنتی، صدامتدادی، صدامپریالیستی و مردمی مینماید، که به درستی یکی از بزرگ ترین رویدادهای سیاسی سال های اخیر جهان ارزیابی می شود. لحظات بسیار حساس و سرنوشت سازی را می گذراند. این حساس بودن از آن جا ناشی می شود که انقلاب بزرگ ما در لحظه کنونی، درگیر یکی از سخت ترین سزدهای دوران موجودیت خود با دشمنان انقلاب است. ویژگی برجسته لحظه کنونی انقلاب ما در این است که از یکسو با درهم شکسته شدن توطئه سازشکاران و تسلیم طلبان لبرال و گمراهان چپ رو، سد بزرگی از سر راه برای زرش انقلاب در دوست گیری اساسی اش یعنی ست گیری صدامپریالیستی و ست گیری مردمی برداشته شده است و از سوی دیگر مقاومت عبودانه و حیانت کارانه طیف نیروهای دشمن انقلاب برای جلوگیری از این گرایش بدبختی است.

بدون تردید ره نمود امام خمینی، رهبران انقلاب و ستاد گدار جمهوری اسلامی در باره لزوم اتخاذ تصمیمات همه جانبه به سود محرومان و تعویض اخبارات مهمی در این زمینه مجلس شورای اسلامی، گام تاریخی است که در جهت ایجاد شرایط ضروری برای تثبیت و تحکیم و گسترش انقلاب و پیشروی بسوی تاسین دالت اجتماعی برداشته شده است. این گام تاریخی همه نیروهای انقلابی را هم در جهت سازندگی و هم در جهت مبارزه علیه همه توطئه های صدامغلاسی و سرچشمه های این توطئه ها بر توان تر ساخته است. مقاومت عبودانه و سرخانه دشمنان انقلاب بدبختی کد و اراده، سرور های عظیم انقلابی مینماید ما برای درهم شکستن این مقاومت هر روز راسخ تر و توان آن ها هر روز بیشتر خواهد شد. دشواری بر سر راه پیروزی انقلاب شکوهمند مینماید ما هر روز است و ولی توان انقلاب برای چیره شدن بر این دشواری ها به مراسم بار بار است.

انقلاب شکوهمند ما که با شرکت همه نیروهای صدامپریالیستی، آزادخواه و مردمی و با اسار کم نظیر بوده های ده ها میلیونی زحمتکش شهر و روستا و به رهبری ادارت امام خمینی، با پیروزی بزرگ تاریخی خود، صبره، بسیار دردناکی بر پیگیر دشمنان سوگند خورده، خلق های کشور ما و بیش از همه سر امپریالیسم جهان حوار آمریکا وارد ساخت، از همان دوران اوج گیری خود، آماج کینه آشتی ناپذیر این دشمنان قرار گرفت. اکنون وضع چنین است که امپریالیسم آمریکا، در مقام سرکرده، همه دشمنان انقلاب ایران، یعنی: امپریالیسم جهانی، رژیم های ارتجاعی منطقه و نیروهای ضد انقلاب کشور ما، پس از آن که تجاوز جنایت بار آمریکایی - صدامی به خاک مینماید ما به اهداف خود برسید و آخرین توطئه شان که به دست بنی صدر پیاده می شد، با ناکامی روبرو گردید. تمام امکانات خود را برای تدارک و انجام توطئه تازه ای در جهت براندازی قهرآمیز نظام جمهوری اسلامی ایران به کار گرفته است.

عناصر پنجگانه این توطئه خطرناک چنین اند:

۱. جلوگیری از تثبیت حاکمیت متکی به قانون و عدالت اجتماعی در جمهوری اسلامی ایران، از راه تشدید تشنج در جامعه، به کمک تروریسم کور، و ایجاد کانون های شورش و بهره گیری از تجاوز نظامی عراق و جنگ تحمل شده به مینماید ما، تجاوز در مرزها و درگیری کردن کشور ما در حربه های دیگر؛
۲. تشدید دشواری های اقتصادی، از راه تشدید فشارهای اقتصادی از خارج و خرابکاری های اقتصادی از راه احتکار - گرانفروشی و غیره به وسیله غارتگران داخلی؛

۳. روش کردن و دامن زدن به آتش بغاق، چند دستگی و زدوخورد میان نیروهای صدامپریالیستی و مردمی؛

۴. تشدید همه جانبه عوامل ناراضی کننده، قشرهای گسترده مردم شهر و روستا؛

۵. اختلال هرچه بیشتر در مناسبات جمهوری اسلامی ایران با کشورها و جنبش ها و همه نیروهای جهانی پشتیبان انقلاب ایران.

دشمنان انقلاب ایران، به سرکردگی امپریالیسم آمریکا، امیدوارند که با کامیابی در این بیخ جهت، نظام جمهوری اسلامی ایران را آن چنان ناتوان سازند که برانداختن آن از راه ضربه ای از درون و یا از بیرون و یا از راه جازدن حاشی مانند سادات و باحفظ اللد امین، بدون دشواری انجام پذیرد.

حزب توده ایران و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)، با احساس مسئولیت تاریخی خود در برابر انقلاب، بر آنند که تنها با تجهیز و اتحاد همه نیروهای وفادار به آماج های انقلاب می توان این توطئه خطرناک دشمنان انقلاب را با کمترین تلفات عقیم گذاشت. انقلاب را در جهت رسیدن به این آماج ها بدست برد و نظام جمهوری اسلامی ایران در راستای مردمی آن را، در برابر توطئه های آینده دشمنان انقلاب گزند ناپذیر ساخت.

بیجا است

حزب نوپدید ایران و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

چگونه بر دشواری های تثبیت تحکیم و گسترش انقلاب شکوهمندمان چیره شویم!

ب. آزادی

یکی از سه شعار اصلی انقلاب شکوهمند سپهر ما "آزادی" است. فلسفه مردم زحمتکشی ایران که از استبداد سیاه سلطنتی خاندان پهلوی و سایر نظام امپریالیسم به جان آمده بود، برای آن به حرکت آمده و پیام کرده که آن نظام ننگین خود را براندازد و نظامی برحاسته از آزادی و مدافع آزادی برقرار کند.

مردانین اساسی جمهوری اسلامی ایران اصول ارزنده و سارمبمی در سه تفصیل آزادی های فردی و اجتماعی تثبیت شده است. اعلام خصی، رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، هم بارها و بارها ضرورت و اهمیت رعایت این آزادیها را برای همه گفتمانی که قصد توطئه برای سراندازی نظام جمهوری اسلامی ایران را نداشته باشند، تاکید کرده اند.

چشمه معد صد انقلاب بزرگترین دشمن گسترش آزادی های مردمی و بودهای در جامعه اسلامی ما است. این چشمه در عین آنکه مراد های خردباری از آزادی های گزینی همه را کر کرده، در واقع خواهان آزادی برای تعالیت صد انقلاب، یعنی تعالیت آزاد برای سراندازی نظام جمهوری اسلامی ایران است. آزادی مورد علاقه غولکها، بحمار، اوس، لیسرا، فطرادها، سی عدرا از این مانی است. آنها خواهان "آزادی" برای خنک کردنای بزه، "آزادی" برای خراگری در عوالت اقتصادی، "آزادی" برای ماری با اسرائیل آمریکا و اروپای غربی و زانیر، "آزادی" برای خنکاری با حکومت های مریج و وابسته و سلفه و بالاخره "آزادی" برای سرکوت نیروهای راستی صد امپریالیسمی و مردمی - اعم از پهلوان خط امام حسی و سایر سولانسم حنی، همد.

چشمه معد صد انقلاب از این ناگفت موراخ بود. یعنی فرادگس برای "آزادی" از نگو و غلای برای اتحاد محقق عدم سات، تا بوش نه همه اقدامات هایکارانه - از روز مشوش گرفته تا آسردن حررها، حرورت کارخانه ها، ملج کردن اعتماد گور، روج گراس، سراسمادی و عمده - از سوی دیگر، دو هدف را دنبال می کند: نخست آنکه با این اقدامات بعد خاکست جمهوری اسلامی ایران را نابود کند، با نابود آن را سراندازد و راه را برای به قدرت رسیدن "دولت صانعوئی ساطع آمریکا خنوار سازد. دوم آنکه اثر صلا این هدف در سرفه بر نماند، اوره کنار خنولان وایس، راه را برای به قدرت رسیدن جناح راست ایرانی در خاکست، هوزر کند. چشمه معد صد انقلاب اسدوار است که اقدامات این جناح راست افراطی، با برورت و ضد مردم را بازمانی کند و بطور غیرسقیم محیط را برای توطئهای دشمنان جمهوری اسلامی ایران آماده سازد.

این رهبری خارمان صاهدی خلق " و دیگر گروه های چپ رو، که روزگاری از آزادی برای خودهای مردم، آزادی برای پارک کردن بندهای انارت ملی و طفسی هم میروند، به این جیل ننگین "آزادیخواهان" - که در معیقت کورگمان آزادی خود، بوسه و پهلوان گرفتارنده خویش را به ابرار توطئهای حاسان برانداز صد انقلابی چشمه معد صد انقلاب مصل گردانست، نتیجه عملی صائب این سوز همین است که امروز شاهدش هستیم. هر چه بیشتر و بیشتر صائبان های نیروهای ایران و در زینانها، دعا تا گاه صد ها جوان "تشت آزادی، استقلال و عدالت اجتماعی، از میان گرفته شدنگان کشته می شود و چندی نغر از مبارزان راستی راه انقلاب سوز می خنند. ساواکی ها و نند انقلابیون آمریقای و سلطنت طلبان و لیسرا لها و سوز بجم مافوقستی آمریکا در کنار این بزرگه سوزانود باگوسی می کند. هم اکنون از یک سو صد ها نفر از سطولان درجه اول جمهوری و سبازی از بدفمان انقلاب و سببوزی انقلابی مان خود را از دست داده اند، و از سوی دیگر بیش از یک هزار و پانصد نفر اعدام شده اند، تا مار دیگر تا یکدی می کشم که سوز انقلاب و جمهوری اسلامی است که حساب رهبران را از هواداران سوزان گمراه جدا کند. خلق حق دارد و باید و بشناس، سوز سوز و انقلابی، بیخسید بد خلق و گر بخشگان به آغوش امپریالیسم را بدون کوچکترین منتان سرکوت کند. در صین حال باید تا انعقاد سیانت آزادی افراطی فراهم آورد که سوزمان و گمراهان که خود مانع اصلی راهی که رسدند هستند، به آغوش انقلاب بازگردند. ضرورت کامل سرم انقلاب است که از اقدام های مسولانه و ساسنده مطلقا اجتناب شود و واریر حصولی و فاسونی در مورد متهمین برافان گردد. احکام اسدنام گسالی که به اشتباه سوزینی سربد و برای دفاع از مردم و انقلاب و ترک بر بکار صد امپریالیسم اعلام آزادی می کند سوزی ملحد تا در زینان...

به آمان فریب داده شود گسرا سوز راهی که رمتانند و وظایفی که در پیش دارند بیشتر بیاندیشد و صداقت خود را مولا به نشانت رسانند.

حزب نوپدید ایران و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) اطمینان دارد که پایبندی تعالیت اساسی و صائبی به افلا میه ده ماد های دادستان کل انقلاب درباره آزادی تعالیت احزاب و گروه های که قانون اساسی را مسموم می شانند کام سیاسی صائب سینی است در جهت بازگرداندن آزادی مکی به قانون و عدالت اساسی به ماچه.

با اطمینان داریم که حسن دلم مهم سیاسی، معش روحی از گمراهان را از طبانتکاران اصلاحی نادر و صحتس از ساواکی ها و سلطنت طلبان و حابنتکاران حرفه ای جدا خواهد ساخت و کما راه را، بدون سوس و پوشته از مرگ، بدون نوحل و دروغ و سرتک، صادقانه به زندگی صد سیاسی و اجتماعی باز خواهد گرداند.

انقلاب شکوهمند ما که با مرگ همه نیروهای صد امپریالیسمی، ایران بجوای مردمی و با اسار کبخش سوزدهای ده ها سلوسو رهنمکان سب و پوسا و به رهبری نادران امام خصی، با بیروزی بزرگ تاریخی خود، سر به سسار دردناکی سرپیکر دشمنان سوزگده سوزده، خلق های کورما و سس از همه سر امپریالیسم حبابخوار آمریکا وارد ساخت، از همان دوران اوچگری خود، آماج گس، آسی با سراسر دشمنان فرا گرفت. اکنون وضع حسی است که صد امپریالیسم آمریکا، در تمام سرکزه، همه دشمنان انقلاب ایران، حسی: امپریالیسم جهانی، رژیم های اوسمانی صلفه و سروهای صد انقلاب کورما، پس از آن که نتاور حابند سار آمریکایی صدایی به خاکی صین با به اهداف خود برسیدو آخرس سولته مان که به دست سس صو پیاده می د، با ناگامی روبرو گردید، تمام امکانات خود را برای نندارک و انجام سولته، از راهی در جهت سراندازی فیر آس نظام جمهوری اسلامی ایران به کار گرفته است.

- ۱- جلوگیری از تثبیت حاکمیت مکی به مانی و عدالت اجتماعی در جمهوری اسلامی ایران، از راه نشاندن سنج در جامعه، به کنگ روج بروسیم کور، و ایجاد گایی های شوشت و سیره گیری از نتاور نظامی مانی و سگ حمل سده به سسینا، نتاور در میرزا و در کورگ کردن کورما در حسی های دیگر؛
- ۲- نشاندن دشواری های اجتماعی، از راه نشاندن متارهای اقتصادی از خارج و سرکاری های اقتصادی از راه اختنار - گراسوشی و عمده به سلسله مارگران داخلی؛
- ۳- روشی کردن و مانس ردن به آتش طای، چند سگی و رد و خوردن سمان سروهای صد امپریالیسمی مردمی؛
- ۴- نشاندن سلسله عوامل نارامی گسده، فترهای گسرده، مردم سیر و روسا؛
- ۵- اسلال عرجه سشتر در مسالت صیروزی اسلامی ایران تا کورما و جنسها و همه سروهای جهانی پنسان انقلاب ایران.

دشمنان انقلاب ایران، به سرکزدگی امپریالیسم آمریکا، اسدوارند که با گمانی در این صبح صیبه، نظام جمهوری اسلامی ایران را آن چنان نابود سازد که برانداحس آن از راه صرهای از دیون ویا از سروز و یا از راه خازمن حاسی مانع سادام و نامحیط الله اس، بدون دشواری انجام یذبرد.

حزب نوپدید ایران و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)، با احساس مسئولیت تاریخی خود در برابر انقلاب، بر آنست که تنها با صیبر و اتحاد همه نیروهای وفادار به آماج های انقلاب می توان این سولته خطرناک دشمنان انقلاب را با کبر سس طبقات مکی گذاشت، انقلاب را در جهت رسیدن به این آماجها لغتی کرد و نظام جمهوری اسلامی ایران در راستای مردمی آن را، در برابر سبته های آینه دشمنان انقلاب گردانید و پذیرفت.

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

یکی از ستاوردهای بزرگ انقلاب ایران، که برای سبب سبب مبارهای مورد سبب داری اوزنی سبب راست، قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران است. در این قانون، صرف نظر از برخی گاسی ها و تاریخی ها، صیبات اصلی صد کتوری انقلاب صد استبدادی، صد امپریالیسمی و مردمی ایران نوسیم شده و اصول ضرور برای رسیدن به آماج های انقلاب، یعنی استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی، ناعد قابل توجهی بارگذاری شده است. به مریض صید مادقانه در اجزای بدوی خنده قانون اساسی، نخستین کام در راه اجتماعی و اقتصادی، با آنچه که صیبه است و به نیروهای انقلابی کنگ می کند، تا صیبارهای واهی را برای شاخت مویستان و دشمنان انقلاب به دست آورند.

حزب نوپدید ایران و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)، به سوزان بنایندگان یک جریان فکری، اجتماعی، انقلابی، صیبه دوست و آزادخواه، که به دست آورین استقلال صیبه مانیه، برانداختن کامل سلفه "سبب راه" استعمار و استنطار، دفاع از آزادی برای سوزمان جامعه و در کورگونی های سبب سبب اقتصادی اجتماعی در جهت عوالت های انقلابی - اجتماعی سوزدهای ده ها سلوسو - کارگران و سایر زحمتکاران سیر و روسا را اساس بر نامه خود قرار داده اند، نظر خود را بر این زمیند برای دیگر نیروهای انقلابی جامعه مان می دارند. با انعقاد رانج داریم که این بر نامه در چارچوب قانون اساسی کورما قابل اجرا بوده و در حد متزین صیبه های مربوط به سائل اجتماعی و اقتصادی، با آنچه که مبارزان سلطان انقلابی، سوزان راستین خط فام خصی، در چارچوب نظام صیروزی اسلامی ایران مطرح گردانند، منطبق و با حداقل صیبار بزرگ است. درست به همین جهت است که با ما اعتقاد رانج به صیبه عقیدتی خود، با تمام سوزان خط صد امپریالیسمی و مردمی اعلام خصی، پشیمانی می کنیم و بایگیری خنکی - ناپدید سوز راه اتحاد صیبه، ستمی از همه سروهای بیرونی صد امپریالیسمی، از همه نیروهای پشیمان خط امام، که صادقانه به آماج های انقلاب مردمی ما و طهارند، می گوئیم.

با سوز نوپدید ایران و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) آن صده از "صاهدی خلق" و "سببک های اقلیت" و نظایر آن را، که هنوز صادقانه هوادار آماج های صد امپریالیسمی، آزادخواهان و مردمی انقلاب صیبه ما هستند، مخاطب قرار می دهد و با یادآوری سولت سسگ تاریخی کسر دوش دارد، از آنها می طلبند که سوز درنگ، با پذیرفتن از گام سسوزانه همروشان صادقانی، تمام سوزی خود را برای خنکی کردن حیات رهبران خود و بایان شخصین حاسی صیبار سکارانه سازد.

بصطر حزب نوپدید ایران و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) سوز ادامه این سوزدها تنها و تنها به گس از نجاع و صد انقلاب واهی و امپریالیسم های حوسوار حاسی آمان سراسر می شود و بر این های صیبار نابذیر آن، مانند آزادی سسر سوزمان، رمان و مردان آزاده جامعه ما سوز خواهد ریخت.

اشامه نیور صد انقلابی یک نفته موم امپریالیسمی برای نشعب نیروهای صد امپریالیسمی است. مری اسس مخته پیله نشوب روحی ها و حبابانی ها با سائل اوسمانی و صاسر طرفدار صیباردارها و نشوبال ها ساخته اند، آنها به انقلاب و به خلق ما خیانت کرده اند، آنها را از خود برانید. سنادید که این صیروزی با سوزده نارمانی ها و کسودهای در تمام دوران موجودینش و بوزده در ماه های اخیر صرمان دردناکی بر امپریالیسم وارد آورده اند.

اوسان های نادرست را از مکر خود سروز کند. سسعات امپریالیسمی را نابو مکنید که می گوئید رژیم در حال سقوط است. حصار مکی را که سازمان ها سس با سیرم همه رساندهای گروهی صد امپریالیسمی بدو دهن شما کشته اند، سسکند حرف های صادقانی را بنگار دیگر صیبارید. همه صصان را سوزید و سکو سس آما را بزرگسید. از پشینی ها و سطران خود را بر بارمانی ها و کسودها و اشتباهات صصتی از حاکمیت اسوز مکنید. صصت با امپریالیسم و تلاش برای لجام ردن به عارگری سرنگانگان و کلان رسانده داران رسانید! سزار دهن صد امپریالیسم ها و بر سسین سکی خط سنی صاهدی را می شناسید و از روحی صصت می کنید. تمام کتورهای سزمی و اصلاحی از صیروزی اسلامی ایران در برابر توطئه ها و تشایرات امپریالیسمی صصایت می کنند.

ج. عدالت اجتماعی

اختیاراتی که امام خصی در پاسخ نامه رئیس مجلس شورای اسلامی به روح ۱۳۶۰/۷/۱۹ به سببندگان مجلس داده - امکانات فراوانی برای انعقاد صصیبات قانونی در جهت نامی عدالت اجتماعی فراهم کرده است. با این پاسخ امام، دشواری های صد انقلابی که در برابر اجزای تمام و گنال اصول یاد شده قانون اساسی، انجام حصول صیباری در عرجه اجتماعی و تامین حوالت های رهنمکان وجود داشته، از میان برداشته شده است. اینک صیده مجلس شورای اسلامی است که از این امکانات به سبب سوزی وجه سیره گرد.

حزب نوپدید ایران و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) از هر گام صصی که در این سب برداشته شود پشیمانی خواهد کرد.

پیام نامه به همه نیروهای راستین هوادار انقلاب

خواهران و برادران و همسران! سوز ساد ما به سسنت -

به سنا سلطان سروز راست امام خصی در حاکمیت و خراج آن که - برابر سولته های امپریالیسم اسوز اسداده اند و با هر گس صبح صصیبار واقعی انقلاب شکوهمند ایران مبارزه می کنند:

به سنا زحمتکاران و سسردوستانی که در راه ساد تروس صصیبار مردمی قانون اساسی، در راه استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی میروند -

به سنا خلق های سیرم و سسبیده، ایران که در انقلاب شکوهمندمان، آرزوهای حق طمانه خود را سسکی می سبید.

پیام ما به همه اجزای، سازمان ها و گروه های صصیبار - اصصافی صصد - امپریالیسمی و مردمی ایران - از هر سلگ و منفدهای است.

پیام ما، سسر به سنا هواداران واقف گردیده صصاهدین خلق - و دیگر گروه های صیروزی است که صصت خیانت سزمی از رهبران و اشتباهات برخی دیگر، از صاد انقلاب به کنار آمده اند.

پیام ما به همه سسابت -

سناد سس در دست هم سرکرس سولته دشمنان انقلاب ایران، صصی سولته ایجاد خلق و صصده سسگی را در هم سسکند و چشمه سسند دفاع از انقلاب شکوهمندمان را سسکل صصم و همه نیروهای هوادار استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی را در یک سسگر واحد گرد آوریم.

هموطنان! برادران و خواهران همزم!

صیبارید با اتحاد و اتفاق تاریخی خود صیبه سسوز و شکست ناپذیر دفاع از جمهوری اسلامی ایران و مطاوت در برابر دشمنان بلند آن را مبارزان صصم و طوار همه سولته های کوسی و آینه های آنها را در هم پیچیم!

برادران و خواهران همزم!

صیبارید، همه، نیروهای خود را برای تحقق اسناد بزرگ تاریخی خویش به کا گزیم، فراموش نکنیم که اتحاد، سوزده سسیر سلاح ما در سگار مله دشمنان انقلاب است و درست به همین جهت سسز دشمنان انقلاب ما سسنا، سسوزی صصیباری خود را برای سلوسگیری از سسفسی حسن اتحادی به کار انداخته اند.

بر ما است که این توطئه دشمنان انقلاب و شکوهای صیروزی اسلامی ایران را با ناگامی روبرو سازیم.

بوقرار باد اتحاد بزرگ همه نیروهای مبارز راه استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی

بیروزباید انقلاب بزرگ صد استبدادی، صد امپریالیسمی و مردمی ایران

بیانیه مشترک . . .

از راه‌های بسیار زیرکانه و مودبانانه مانند ابراد فشارهای به‌کلی غیرضرور به مردم در زمینه‌های مختلف زندگی آنان، و سرانجام از راه تصفیه‌های مشکوک که هدفش در بسیاری موارد برکنار کردن عناصر وفادار به انقلاب و پشتیبان جمهوری اسلامی ایران از کار و جایگزین کردن آنان با عناصری از قماش امپراتورهای کلاهی‌ها، کشمیری‌ها، صادق‌ها و معزی‌ها در سطوح مختلف است.

مجموعه این دشواری‌ها، یعنی هرآن چه که محصول مقاومت کین‌توزانه و آشتی‌ناپذیر طیف دشمنان انقلاب ایران، به سرکردگی امپریالیسم آمریکاست، از همان روزهایی که پیروزی انقلاب در افاق پدیدار شد، قابل پیش‌بینی و بخش عمده‌ای از آن‌ها بی‌تردید قابل پیشگیری و اجتناب بود. تجربه ده‌ها و ده‌ها انقلاب مردمی و ضدامپریالیستی در سراسر جهان نشان می‌دهد که در آن انقلاب‌ها نیز نیروهای ضدانقلاب خارجی و داخلی تقریباً عین همین توطئه‌های شپکارانه را عملی کرده‌اند. این که این توطئه‌ها تا چه حد توانسته است در این یا آن انقلاب مشخص موفقیت‌آمیز باشد، بستگی به آگاهی، هم‌بستگی و آمادگی نیروهای پاسدار و نگهبان انقلاب برای رویارویی با این توطئه‌ها داشته است.

با کمال تأسف باید گفت که نیروهای ضدانقلاب ایران، به سرکردگی امپریالیسم جهانخواه آمریکا، توانسته‌اند، با بهره‌گیری از نقاط ضعف نیروهای انقلابی، برای بخش مهمی از توطئه‌های خود پوشش‌هایی به دست آورند.

دشواری‌هایی که از سرچشمه دوم بیرون می‌ریزد ناشی از بی‌تجربگی‌ها، اشتباهات، تنگ‌نگری‌ها، خودمحوری‌ها و ارزیابی‌های نادرست است. این دسته از دشواری‌ها، در مجموع خود، محصول برخی عملکردهای منفی نیروهای فعال انقلابی است، چه آن بخش از نیروهایی که اهرم‌های حاکمیت انقلابی را در دست دارند و چه آن بخش که، بدون شرکت در حاکمیت انقلابی، پاسداری و نگهداری از دستاوردهای انقلاب را داوطلبانه پذیرا گشته‌اند. البته در این میان مسئولیت بخش اول طبعاً سنگین‌تر از مسئولیت‌بخش دوم است، در عین این که هر دو بخش در برابر خلق و تاریخ و انقلاب جوابگوی عملکرد خویشند و انتیای یکی نمی‌تواند به عنوان عذر و بهانه برای توجیه اشتباه دیگری، مورد استفاده قرار گیرد.

در این دسته از دشواری‌ها، آنچه از بی‌تجربگی و یا کم‌تجربگی و یا حتی از اشتباهات ناشی می‌شود، می‌تواند در چارچوب معینی قابل بخشش باشد، زیرا هر نیروی انقلابی که حاکمیت را در دست می‌گیرد، با مسائلی روبرو می‌شود که در آن‌ها تجربه ندارد و فقط در جریان تلاش برای حل آن‌هاست که تجربه می‌اندوزد، ولی این تلاش هراندازه هم که همه‌جانبه و فداکارانه باشد، حائلی از یک رشته اشتباهات نخواهد بود. چنین اشتباهاتی قابل توجیه‌اند. آنچه نابخشودنی است، دشواری‌های ناشی از تنگ‌نگری‌ها و خودمحوری‌ها و ارزیابی‌های نادرست بخشی از آن نیروهایی است که در حاکمیت انقلابی اهرم‌های اساسی و تعیین‌کننده سرنوشت روند انقلاب را در دست دارند. این دسته از دشواری‌ها، به ویژه در دوران ما، یعنی در دوران فروپاشی سلطه جهانی جابرانه امپریالیسم، نقش تعیین‌کننده در سرنوشت انقلاب دارند، زیرا تجربه انقلاب‌های چنددهساله پس از جنگ دوم جهانی نشان داده است که در پیامد تغییر کیفی در تناسب نیروهای سیاسی و نظامی و اقتصادی در جهان به سود انقلاب‌های رهایی‌بخش ملی و دولت‌های رهاشده از زنجیر استعمار کهنه و استعمار نو، رهبری‌های انقلاب‌های ضدامپریالیستی و مردمی، در صورتی که بتوانند با درایت و تیزبینی همه نیروهای بالقوه هوادار انقلاب را تجهیز کنند، می‌توانند بر همه دشمنان انقلاب چیره شوند و، علی‌رغم برخی اشتباهات ناشی از کم‌تجربگی و بی‌تجربگی، انقلاب را تثبیت و تحکیم بخشند و آن را به سوی پیشرفت‌گسترش دهند. و برعکس، غلبه تنگ‌نگری‌ها و خودمحوری‌ها و ارزیابی‌های نادرست در مقامات مسئول حاکمیت می‌تواند برای نمود عناصر دشمن از یک سو و برای رشد دشواری‌های ناشی از بی‌تجربگی و اشتباه از سوی دیگر، و نیز به کمک آن‌ها برای دسیسه‌های خطرناک و توطئه‌های رنگارنگ ضدانقلاب، و به ویژه توطئه جداسازی و به‌جان هم اندازی نیروهای انقلابی، محیط مساعدی پدید آورد.

با کمال تأسف مردم انقلابی ایران با نگرانی بسیار شاهد این واقعیت دردناک هستند که این بیماری خطرناک در انقلاب ما راه پیدا کرده و رسد دوامیده است. جامعه انقلابی ما در مرحله کنونی با طیف پهناوری از همه این دشواری‌ها، یعنی هم با دشواری‌های ناشی از فعالیت دشمنان و هم با دشواری‌های ناشی از عملکرد منفی خودی، دست به‌گریبان است. ضمانت‌ناایمنی انقلاب‌های پیروز شده و شکست خورده به ما می‌آموزد که چیره شدن بر بی‌آمدهای اسباب‌ها و کم‌تجربگی‌ها و مهم‌تر از آن چیره شدن بر دشواری‌های ناشی از معانیست ضدانقلاب مهاجم و دسیسه‌گر، در درجه اول مستلزم آنست که نیروهای مؤثر و تعیین‌کننده و به ویژه حاکمیت انقلابی بتوانند برگرایش‌های خودمحوری و تنگ‌نگری و ارزیابی‌های نادرست و پیش‌دواری‌های بی‌پایه در صفوف خود چیره شوند.

برای چیره شدن بر دشواری‌ها باید بیش از هر چیز این دشواری‌ها را

شناخت، ریشه‌های آن‌ها را مشخص ساخت، نیروها و امکاناتی را که برای برشم کردن ساختن این دشواری‌ها وجود دارند، تشخیص داد و همه این نیروها را، بدون هدر دادن، درجه‌به‌درجه متحدی گرد آورد، و با در نظر گرفتن نیروها و امکانات موجود و ذخیره خودی و امکانات و نیروهای موجود و ذخیره حریف، نقشه دقیقی برای نبرد تنظیم کرد و مبارزه را از راه وارد ساختن ضربه اصلی بر ضعیف‌ترین نقطه جنبه دشمن آغاز کرد. کوتاه سخن، چیره شدن بر دشواری‌هایی که در برابر روند تثبیت و تحکیم و گسترش انقلاب قد علم کرده‌اند، تنها با برخورد و برداشت انقلابی، با سمت‌گیری، ژرف‌بینی و پیگیری انقلابی، امکان‌پذیر است.

شناخت دوستان راستین و دشمنان آشتی‌ناپذیر

خوشحانه امروز بخش عمده‌ای از نیروهای انقلابی راستین (گرچه پس از پرداختن‌های سنگین)، امپریالیسم آمریکا، امپریالیسم اروپایی غربی و ژاپنی، رژیم‌های ارنجایی منطقه، ساواکی‌ها و سلطنت‌طلبان، لیبرال‌ها، مائوئیست‌ها و سایر گروهک‌های آمریکازده، بزرگ‌مالکان و کلان سرمایه‌داران و حامیانشان را به عنوان دشمنان انقلاب شناخته‌اند. این یک پیروزی بزرگ است. ولی متأسفانه هنوز در بخش قابل‌توجهی از نیروهای انقلابی که اهرم‌های حاکمیت را در دست دارند، در زمینه شناخت کامل دوستان انقلاب ما، نقاط ضعف جدی وجود دارد.

به‌ظرفا، عمده‌ترین عامل افزایش دشواری‌های ناشی از نمود ضدانقلاب در درون حاکمیت و سپاه‌های انقلابی، همس‌ضعف نیروهای راستین انقلاب در شناخت دوستان راستین و دشمنان آشتی‌ناپذیر است. در درون بخش مهمی از نیروهای انقلابی، این اصل برای سنجش به کار گرفته شده و می‌شود که: "هرکس به ظاهر مرا صددرصد ناپسند کند، دوست است و هرکس مرا انتقاد کند، دشمن است." با این سنجش، اگر کسی نظاره‌گر عبادت‌خانه‌ها می‌گردد، حزب بوده ایران و سازمان فدائیان خلق ایران را اکثراً از حاشی حاشی حاشی و ترک برچسب‌های نامطرح کند که شعار مرگ بر آمریکا از یادها برود، او دوست است، حتی اگر کمسری و کژمندی و محاررات و مصادیق داشته باشد، و اگر کسی با بدقت و صراحت بگوید: من سرویس‌سازیم غمی هستم، یا تکمیر اعتقاد افراطی ضدانقلابی و ضد امپریالیسمی و مردمی امام خمینی حساسی می‌کم و حاضریم برای دفاع از مبهم در مقابل تجاوز آمریکائی صدام‌خان خود را فدا کنم، او دشمن است، و نباید طرد شود.

با کمال تأسف، در پیامد عملکرد همین ضعف بزرگ و خطرناک، در نخستین دو سال پس از پیروزی، فرصت‌های بسیار مناسبی برای سرکوب ضدانقلاب و تثبیت و تحکیم و گسترش دستاوردهای انقلاب از دست رفت. در این دو سال دشمنان انقلاب ایران موفق شدند با استفاده از عناصر خود در درون حاکمیت انقلابی، در آغاز به اتکای دولت "گام به گام" لیبرال‌های آمریکازده، و پس از آن به دست خود فروپاشی چون قضا زاده و بسی‌صدر و سلامیان و نظائرشان، که هنوز هم تسموه‌های شایعه شده، آنان چه‌سا در جاهای حساس نشسته‌اند، از یک سو، و امثال کمسری و محارراته و کلاهی و صادق و معزی و . . . و بسیاری دیگر لطافت‌سنگینی به انقلاب برسد. درست است که نیروی لایزال نوده‌های انقلابی و فداکاری و ار خودگذشتگی و ایثار کم‌سابقه مبارزان راستین راه انقلاب، چه در حاکمیت و سپاه‌های انقلابی و چه در میان نیروهای پشتیبان انقلاب در خارج از حاکمیت، زیر رهبری با درایت، بی‌زلزل و آشتی‌ناپذیر امام خمینی، این توطئه خطرناک دشمنان انقلاب را تاکنون عقیم گذاشته است، ولی در همین حال سادام‌نگری است اگر تصور شود که این توطئه منحرف ساختن انقلاب ایران از راه اصلیتش، برای همیشه با شکست روبرو شده است. اشتباه فاحشی است اگر بپذیریم که زنده است این توطئه. همان‌طور که امام خمینی یادآور شدند، محصول غفلتی است که مسئولان انقلابی جمهوری اسلامی ایران بدان دچار شدند، و این غفلت ضرباتی بر دیگر انقلاب‌ها وارد ساخته، که تاکنون برای مبین ما بسیار گران نعام شده است. بحالت اگر همه مبارزان راه انقلاب هر روز صبح این گفته تاریخی امام خمینی را به یاد بیارند و در تمام کار روزانه خود همواره بدان توجه داشته باشند:

"نباید فراموش کنیم که در جنگ با آمریکا هستیم. ما در جنگ با آمریکا هستیم و تفاله‌های آمریکا، این تفاله‌هایی که قالب زدند خودشان را و ما غفلت کردیم، الان هم هستند."

امام خمینی - گفتار ۵ شنبه ۱۱ مهر ۱۳۶۰
سپه‌نا کارکنان این رهمود، نیروهای راستین انقلابی می‌توانند این خطرناک‌ترین سرچشمه ایجاد سنج و نقای را در درون جنبه نیروهای انقلابی سیاسی کند و این سرطان خطرناک را دور سازند. در این ارتباط بسیار جاست اگر بوجه کم که همه عناصری که امروز خائسان مسلم شده است، با چند حکام‌افراز سیاسی وارد میدان شدند: تظاهر به اسلام، حتی در مواردی تظاهر به "اسلام اهراطی و قسری"، دشمنی کین‌توزانه با بخشی از یسسان راستین انقلاب و به ویژه با حزب نوده ایران، و برعکس گذشت و دوسوی و بی‌سبب‌ی از ساواکی‌ها،

بیانیه مشترک

سلطنت طلبان، ضدانقلابی مائوئیست‌ها و سایر تغالله‌های آمریکا و دشمنی لجام‌گسیخته با کشورهای سوسیالیستی و به ویژه با اتحاد شوروی از یک سو و دوستی و آمادگی برای همکاری با آمریکا از راه اروپای غربی و زاین ارسوی دیگر؛ حمایت از منافع غارتگرانه کلان سرمایه‌داران و بزرگ‌مالکان و سایر زالوهای اقتصاد و مخالفت با سمت‌گیری مردمی انقلاب و جلوگیری از اجرای آن موادی از قانون اساسی، که مدافع منافع محرومان و محدودکننده غارت چپاولگران است.

بدین سان، نیروهای انقلابی برای شناخت دوستان راستین و دشمنان کین‌نور انقلاب پیش از هر چیز باید معیارهای درست برگزینند. بزرگ‌ترین و خطرناک‌ترین مانع در این زمینه خودمحوری و تنگ‌نگری است. برپایه خودمحوری و تنگ‌نگری قشری یا اجتماعی - طبقاتی هرگز نمی‌توان به معیارهای درست برای تشخیص دوست از دشمن دست یافت.

معیارهای سنجش دوستان و دشمنان انقلاب

موتق‌ترین معیار سنجش در این زمینه، همان وفاداری به آماج‌هایی است که بوده‌های ده‌ها میلیون‌وسی زحمتکشان، میهن‌دوستان و مبارزان راه استقلال و آزادی واقعی برای دست‌یافتن به آن‌ها، علیه جبهه متحد ضدانقلاب داخلی و امپریالیست‌های حامی‌اش به سرد برخاستند و با جانبازی و ایثار کم‌نظر انقلاب را به پیروزی رساندند. آماج‌های این انقلاب، که در جمهوری اسلامی ایران و در قانون اساسی‌اش منطور گردید، عبارت بود از:

- پایان بخشیدن به تسلط جابرانه و غارتگرانه امپریالیست‌ها و نامیس همه‌خانه‌ها استقلال ملی؛

- سرنگون ساختن کاخ استبداد و بیدادگری و ناس آزادی‌های فردی و اجتماعی برای توده‌های محروم از آزادی؛

- لجام زدن به غارتگری بی‌بندوبار چپاولگران اجتماعی و ناس عدالت اجتماعی به سود توده‌های محروم و غارت‌شده.

اگر ما این معیار را، که امام خمینی همواره بدون کوچک‌ترین تعسر، مورد ناکند قرار داده‌اند، چه در مورد مسائل با نیروهای اجتماعی درون جامعه انقلابی خودمان و چه در مسائل کشورمان با دیگر کشورها و نیروهای اجتماعی سراسر جهان، درست به کار بریم، بی‌تردید خود را از بسیاری از اسباب و شاید از عمده‌ترین بخش آن، نجات خواهیم داد.

بزرگ‌ترین مسئولیت تاریخی آن بخش از نیروهای انقلابی، که خود را پیرو خط امام خمینی می‌دانند، شناخت درست و کاربرد عقلانی همین معیار است.

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

یکی از دستاوردهای بزرگ انقلاب ایران، که برای نفس معیارهای مورد بحث

دارای ارزش بسیار است، قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران است. در این قانون، صرف‌نظر از برخی کاستی‌ها و نارسایی‌ها، جهات اصلی سمت‌گیری انقلاب ضد استبدادی، ضد امپریالیستی و مردمی ایران ترسیم شده و اصول ضروری برای رسیدن به آماج‌های انقلاب، یعنی "استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی" تا حد قابل توجهی پایه‌گذاری شده است. پذیرش تعهد صادقانه در اجرای بدون خدشه قانون اساسی، نخستین گام در راه پشتیبانی از انقلاب شکوهمند مردم میهن ماست و به نیروهای انقلابی کمک می‌کند، تا معیارهای واقعی را برای شناخت دوستان و دشمنان انقلاب به دست آورند.

حزب توده ایران و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)، به عنوان نمایندگان یک جریان فکری - اجتماعی انقلابی، میهن‌دوست و آزادیخواه، که به دست آوردن استقلال همه‌جانبه، برانداختن کامل سلطه جابرانه استعمار و استعمار، دفاع از آزادی برای محرومان جامعه و دگرگونی‌های بنیادی اقتصادی - اجتماعی در جهت خواست‌های انقلابی - اجتماعی توده‌های ده‌ها میلیون‌وسی کارگران و سایر زحمتکشان شهر و روستا را اساس برنامه خود قرار داده‌اند، نظر خود را در این زمینه برای دیگر نیروهای انقلابی جامعه بیان می‌دارند. ما اعتقاد راسخ داریم که این برنامه در چارچوب قانون اساسی کشور ما قابل اجرا بوده و در عمده‌ترین زمینه‌های مربوط به مسائل اجتماعی و اقتصادی، با آنچه که مبارزان مسلمان انقلابی، پیروان راستین خط امام خمینی، در چارچوب نظام جمهوری اسلامی ایران مطرح کرده‌اند، منطبق و یا حداقل بسیار نزدیک است. درست به همین جهت است که ما با اعتقاد راسخ به مبانی عقیدتی خود، با تمام نیرو از خط ضد امپریالیستی و مردمی امام خمینی پشتیبانی می‌کنیم و بایگیری خستگی‌ناپذیر - ر راه ایجاد جبهه متحدی از همه نیروهای پیرو خط امام خمینی، از همه نیروهای پشتیبان خط امام، که صادقانه به آماج‌های انقلاب مردمی ما وفادارند، می‌کوشیم.

الف. استقلال ملی

به نظرم، استقلال ملی برای خلق‌های میهن ما هنگامی نامین است که ریشه‌های هرگونه تسلط جابرانه سیاسی، تسلط غارتگرانه اقتصادی، تسلط آمرانه نظامی و تسلط گمراه‌کننده و منحرف‌سازنده فرهنگی استعمار و استعمار تو خشکانده شود و سرنوشت میهن ما و خلق‌هایی که در آن به سر می‌برند، تنها و تنها با اعمال اراده آزاد توده‌های ده‌ها میلیون‌وسی زحمتکشان تعیین گردد.

طی دو سال و نیمی که از پیروزی انقلاب شکوهمند میهن ما می‌گذرد، کامیابی‌های چشم‌گیری در زمینه نامین استقلال ملی به دست آمده است. هم‌اکنون نیز مردم میهن ما به پیگیری سرنوشت‌ساز برای تنبیت و تحکیم و گسترش این پیروزی‌ها مشغولند. با وجود این، ساده‌اندیشی است اگر تصور شود که انقلاب ایران در زمینه استقلال همه‌جانبه به همه آماج‌های خود رسیده است؛

در زمینه استقلال سیاسی امپریالیسم جهانی، به سرکردگی امپریالیسم آمریکا طی دو سال و نیم گذشته، در حاکمیت سیاسی، به وسیله عمالی که در نهادهای انقلابی جازده بود. در مجموعه جوساسی فعال، پایگاه‌های نیرومندی را در اختیار داشت و از آن‌ها برای جهت دادن به سیاست خارجی و داخلی حاکمیت جمهوری اسلامی ایران به طور موثر بهره‌گیری می‌کرد. با کمال تأسف باید گفت که، هنوز هم می‌کند. حالا دیگر راز پوشیده‌ای نیست که تا همین اواخر وزارت خارجه ایران و تقریباً تمام ترکیب هیئت‌های نمایندگی ایران در سراسر جهان در دست بازماندگان عیان و پنهان رژیم گذشته و پیاده‌کنندگان راه سازش با امپریالیسم، یعنی سنجایی‌ها، یردی‌ها، قطب‌زاده‌ها، بنی‌صدرها و سایر دستیارانشان قرار داشت.

در آن زمان سیاست خارجی ایران به طور مشخص در جهت هموار کردن راه شارش با امپریالیسم آمریکا، در جهت جلوگیری آشکار و بی‌پروا از گسترش مساسات دوستانه با کشورهای انقلابی و جنبه‌های آزادی‌بخش ضد امپریالیستی که در جبهه واحدی با انقلاب ایران علیه امپریالیسم و صهیونیسم مبارزه می‌کنند، در جهت تیره‌ساختن مصوعی مساسات ایران با کشورهای سوسیالیستی و به ویژه با اتحاد شوروی، که همه‌جانبه از انقلاب ایران پشتیبانی می‌کنند، سیر می‌کرد.

در برخورد با رویدادهای کشور همسایه و برادر ایران، افغانستان، یردی‌ها و قطب‌زاده‌ها و سی‌صدرها سیاست ایران را درست به صورت دنباله سیاست دسمبار سوگند خورده انقلاب ایران و همه انقلاب‌های مردمی جهان، یعنی آمریکا، انگلیس، پاکستان، چین، عربستان، مصر و عمان در آورند.

صادقاً باید گفت که پس از گذشت بیش از دو سال و نیم از پیروزی انقلاب، میان کشور ما و کشورهای چون جمهوری دموکراتیک خلق چین و جمهوری سوسیالیستی ویتنام، که در اولین سگرهای مبارزه علیه امپریالیسم جهانی قرار گرفته‌اند، باره دارد روابط سیاسی برقرار می‌شود و دولت ایران هنوز از به رسمیت شناختن دولت انقلابی کامبوجا خودداری می‌کند، و آن هم در شرایطی که این دولت انقلابی از طرف همه کشورهای جبهه جهانی ضد امپریالیستی و همه جنبش‌های آزادی بخش ملی به رسمیت شناخته شده و تنها از طرف امپریالیست‌های آمریکا، اروپای غربی و ژاپن، و نیز چین و اسرائیل و رژیم پیسوشه و آفریقای جنوبی و سایر دشمنان انقلاب ایران تحریم شده است.

مردم ایران و همه نیروهای راستین انقلاب با خشنودی این واقعیت را مورد توجه قرار می‌دهند که از مدتی پیش از برکناری سی‌صدر، و به ویژه پس از رسوایی و سرکناری خط آمریکایی شارش و تسلیم از میدان فعالیت سیاست خارجی ایران، گام‌های جدی در جهت تصحیح این گرایش بیمارگون برداشته شده است. امید است که این گام‌ها سرآغاز یک جرحش تاریخی در شناخت درست دوستان و دشمنان انقلاب ایران در میدان بزرگ یردجهایی باشد.

به نظرم در دیبای امروز استقلال واقعی و عدم وابستگی هر کشور بدون همبستگی با جبهه عظیم و نیرومند جهانی ضد امپریالیستی امکان‌پذیر نیست. این جبهه، به طور تفکیک‌ناپذیر، تشکیل می‌شود از کشورهای سوسیالیستی، جنبش اصیل و انقلابی کارگری در کشورهای سرمایه‌داری رشد یافته و جنبش‌های راستین آزادی بخش ملی و ضد امپریالیستی چه آن‌هایی که در کشورهای خود به پیروزی رسیده و دولت‌های ضد امپریالیستی و مردمی به وجود آورده‌اند و چه آن‌ها که هنوز برای به دست آوردن آزادی و استقلال نبرد می‌کنند.

این جبهه محصول یک نبرد تاریخی بسیار دراز مدت نیروهای مردمی، محصول مبارزات نزدیک به دوست ساله طیفه کارگر در سراسر جهان، محصول پیروزی انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر در روسیه، محصول پیروزی اتحاد شوروی و سایر نیروهای انقلابی خلقی و آزادیخواه علیه فاشیسم آلمان و ایتالیا و نظامی - گری ژاپن در جنگ دوم جهانی، محصول دگرگونی‌های سوسیالیستی در نزدیک به بیست کشور جهان در دوران پس از جنگ، و سرانجام محصول کامیابی‌های عظیم و سرزدندگی و مرگ جنبش‌های ضد امپریالیستی و استقلال طلب در ده‌ها توده‌ها کشور دیگر است. این جبهه محصول عالی تلاش تمام بشریت مترقی دوران ما علیه بیدادگری و غارتگری سرمایه است. تجربه نشان داده است که تنها در چارچوب

بیانیه مشترک . . .

همستگی با این جنبه جهانی، جنبش‌های راستین و اصل آزادی‌بخش ملی می‌توانند به آماج‌های استقلال‌طلبانه، آزادی‌خواهانه و عدالت‌پزوهانه خود دست یابند و، درست برعکس، بریدن پیوندهای همسنگی با این جنبه نیرومند جهانی، نخستین گام در جهت افتادن در دام‌های امپریالیسم جهانی است. سرنوشت انقلاب‌های ویتنام، کوبا، لائوس، کامبوجا، مورامیک، آنگولا، الجزایر، سوریه، لیبی، یمن، دموکراتیک، اتیوپی، افغانستان، هندوستان و دهها کشور دیگر از یک سو، و کشورهای اندونزی، مصر، سوئدان، سومالی، عراق، مالی و پاکستان از سوی دیگر، به بهترین وجهی این واقعیت دوزخ ما را نشان می‌دهد. دشمنان همسنگی با این جنبه نیرومند جهانی و آن عناصر آگاه که در دام این دشمنان افتاده‌اند می‌کوشند از راه بازی با واژه‌ها این همسنگی و کمک متقابل برادرانه و برابرحقوق را به عنوان واسطی حایرند و بوده‌های مردم انقلابی را از حرکت در این راه بازدارند.

واقعات انگارناپذیر دوران ما در سراسر جهان نشان می‌دهد که دشمنان سرخست دوستی و همسنگی با جنبه جهانی صدامبرالیستی، برهبرقی که ظاهر شوند، بالاخره مانند قطب‌زاده‌ها و سی‌صدرا از انقلابی ستم‌بر امپریالیسم سردرمی‌آورند.

دفاع ملی

تأمین استقلال سیاسی بدون امکانات اضتیان‌بخش برای دفاع ملی مسر نیست. دردنیای کنونی، که نیروهای متجاوز امپریالیستی و رژیم‌های ارتجاعی برای تثبیت پایه‌های متزلزل‌شده، گام‌های فرماواری غارتگرانه و حایرانه خود، از دست بازیدن به هیچ گونه حیاتی روگردان نیستند. سازماندهی یک ستم نیرومند دفاع ملی، هم در زمینه دفاع نظامی و هم در زمینه امنیتی، یعنی دفاع در برابر نفوذ خرابکاران و توطئه‌گران وابسته به دشمن، از ضرورت‌های درجه اول انقلاب است.

تجاوز نظامی رژیم ضد مردمی و جنایتکار صدام پیمان‌تجاوزهای نظامی امپریالیستی نیست. امپریالیسم آمریکا و رژیم‌های ارتجاعی منطقه خود را برای وارد آوردن ضربات بعدی به جمهوری اسلامی ایران آماده می‌کنند. آمریکا پایگاه‌های نظامی خود را در پیرامون ایران گسترش می‌دهد. در ترکیه، پاکستان، عربستان سعودی، پایگاه‌های نظامی جدید بوجود می‌آید و پایگاه‌های موجود فعال می‌شود. ارتش آمریکا نیروی ضربتی واکنش سریع را برای ورود به عمل آماده می‌کند. و هم پیمانان اروپایی او در ناتو تعهدات معینی در این زمینه به عهده می‌گیرند. خلیج فارس عملاً در محاصره نیروی دریایی و پایگاه‌های نظامی آمریکا قرار دارد.

اسرائیل، تبهکاری خود را در کشورهای عربی هر روز تشدید می‌کند و رژیم‌های ارتجاعی مصر و سوئدان و اردن و عربستان وارد بدو ست‌های خطرناکی با امپریالیسم و صهیونیسم می‌شوند.

بدون تردید جمهوری اسلامی ایران یکی از نخستین و حساس‌ترین آماج‌های نظامی امپریالیسم درخاور میانه است و برای این که در برابر توطئه‌های نظامی امپریالیستی بتواند از خود دفاع کند به ارتشی نیرومند، انقلابی و مردمی نیاز دارد. نیروهای مسلح کشور به منظور دفاع در برابر هرگونه تجاوزی باید هم از لحاظ کمی و هم از لحاظ کیفی آماده گردند. کیفیت نیروهای مسلح بستگی دارد به وفاداری خدشه‌ناپذیر این نیروها در تمام سطوحش به آرمان‌ها و آماج‌های انقلاب و در اختیار گرفتن جنگ‌افزارهای امروزی و کاربرد و آمادگی فنی و رزمی. باید ترتیبی داد که ارتش ایران بهترین سلاح‌ها را بدون وابستگی و قید و شرط به دست آورد و از همه امکانات برای خودکفائی ارتش تا حد ممکن بهره‌گیری شود.

ولی همان‌طور که تجربه دو سال و نیم انقلاب نشان داده، شرط اول و اساسی برای ایجاد چنین سیستمی، پاکسازی دقیق دستگاه‌های دفاعی و امنیتی و انتظامی از عناصر وابسته به دشمن و ایجاد سدی بر سر راه نفوذ سون بنجم ساواکی، سلطنت‌طلب، مائوئیستی، لیبرال و خرابکار در این سیستم است.

تجربه دو سال و نیم گذشته نشان داد که هشدارهای سازمان‌های سر می‌دهد این زمینه ناچه اندازه درست بوده است.

این تجربه از طرف دیگر به خوبی نشان داد که بوده‌ای ستری، فدائی ستری و کمونیسم ستری، زیرچتر تظاهر افراطی به اسلام، تنها و تنها حاده‌صاویکی برای نفوذ عناصر ضد انقلاب نظیر کشمیری، گلاهی، فحسارزاده، معری و دهها و دهها افسر کودتاجی از نوع بافری و علوی در دستگاه‌های ارتشی، پلیس و امنیتی بوده است. این اصل در آینده هم مسلماً به قوت خود باقی خواهد ماند.

هرگونه تلاش برای جلوگیری از شرکت نیروهای راستین انقلاب در امر دفاع ملی، خواسته یا ناخواسته، آگاهانه یا ناآگاهانه، خدمتی است به نیروهای کین‌توز ضد انقلاب. تاریخ آینده انقلاب ما صحت این حقیقت انگارناپذیر را

تایید خواهد کرد و چهره گریه قطب‌زاده‌ها، سی‌صدرا و کشمیری‌های افشا شده را از زیر نقاب‌های ریاکاری بیرون خواهد کشید.

در امر سازماندهی دفاع ملی، تقویت همه‌جانبه سپاه پاسداران - از لحاظ آموزش، تجهیزات و تسلیحات امروزی سبک و سنگین، اهمیت فراوانی دارد. باید این سپاه پیش‌ار پیش‌بر گرفته و جای شایسته خود را در دفاع از انقلاب احراز کند.

در امر سازماندهی دفاع ملی، هماهنگی بخش‌های گوناگون نیروهای دفاع ملی از ارتش تا سپاه ضرورت حتمی دارد. این هماهنگی باید بر مبنای اصول انقلابی تحکیم شود و در سمت آماج‌های مردمی و صدامبرالیستی انقلاب قرار گیرد.

استقلال اقتصادی ضامن بی‌چون و چرای استقلال سیاسی است

در این رسد سر انقلاب شکوهند مبین ما به دستاوردهای گرانسپاهی رسیده است. که هر یک بر سطح بی‌چون و چرای امپریالیستی بر اقتصاد ما، صرهای کاری وارد آورده‌اند. یکی از مهم‌ترین این دستاوردها همان گوناگون کردن دست غارتگر امپریالیست‌های حیاخوار ارتجاعی سرتاز نفت ایران است که با لغو کتبه فرانس دانه‌های جعلی استعماری، به آخرس مرحله رهایی از سلطه انحصارهای امپریالیستی رسید. ولی غلبی رسم این دستاورد بزرگ و دستاوردهای دیگر، اقتصاد ما هنوز در تار عنکبوت وابستگی به اقتصاد غارتگر امپریالیستی دستویا می‌رود و هسوار صدها ربحر به آن بسته‌اند. بحارت خارجی ما، که اکنون وسیع‌ترین و فعال‌ترین بخش اقتصاد کشور است، به طور عمده و معنی‌کننده در دست سرمایه‌داران وابسته به امپریالیسم و در وابستگی یک‌جانبه به اقتصاد امپریالیستی است. صنایع مرتبط، که بخش عمده صنایع ساحه شده در خارج و وابستگی به اقتصاد کشورهای امپریالیستی را شکل می‌دهد، هنوز در این خارج دستویا می‌رود و آمده روسی برای آن دیده نمی‌شود. همان‌طور که سبب مزورت و دورواند امپریالیست‌های روسی در مورد خودداری از آمده بخش کوچک بازاری ساحه منحصب سروسسی نشان می‌دهد، این غارتگران جهانی سبب در هر یک از این صنایع، یعنی دوران غارت بی‌سود و سرب‌های بی‌ما، حایر به همکاری با کشور ما هستند. از همان روز سروری انقلاب ایران، برای کسی که امپریالیسم را در تمام بار وجودش می‌ساحسد، روشن بود که سبب سرسبب استقلال اقتصاد بی‌چون و چرای ایران انقلابی، تنها و تنها از راه بریدن همه ربحرهای، سنگینی به اقتصاد امپریالیستی و تلاش برای

بهره‌گیری از مساسات برابرحقوق با کشورهای که حاضر به برقراری چنین مساساتی هستند، و در درجه اول با کشورهای جنبه عظیم صدامبرالیستی جهان امکان پذیر است. سبب در خارج و این مساسات است که کشور ما می‌تواند از تروت‌های عظیمی که در احسار دارد، برای پایه‌ریزی یک اقتصاد خودکفا و متکی به خود، به بهترین حواسفاده کند. مقاسه نتایج کار محتصع‌های بزرگ صنعتی دوت‌آهن اصفهان و نیروی صنعتی نافع و سبب کارخانجات گران قیمت فولاد گاری تا یکدیگر، بهترین سببگر راهی است که انقلاب ایران باید برای توسعه صنایع خود، به عنوان پایه‌ای برای پیشرفت اقتصادی کشور، برگزید. راه رسیدن به استقلال اقتصادی مبین ما از کارمندان‌های وسیع صنایع دوت فلرات، ماشین‌سازی و نیروی صنعتی، که باید هر چه رود در دست به کار احدات آن‌ها شد، می‌گذرد. و این صنایع را تنها و تنها از راه همکاری برابر حقوق با کشورهای صنعتی سوسالیستی می‌توان پایه‌گذاری کرد. دشمنان و مخالفان این سمت‌گیری در اقتصاد کشور ما، که ضامن اساسی نگهداری استقلال سیاسی به دست آمده است، آگاهانه یا ناآگاهانه، در جهت نابودی استقلال سیاسی و تجدید وابستگی استعماری دوران آریامهری عمل می‌کنند.

در مورد اقتصاد نفت و گاز باید این واقعیت را بالاخره به حساب آورد که امپریالیست‌های جهان‌خوار، به ویژه اکنون که از تجدید سلطه خود بر کشور ما روزه روز نامیدتر می‌شوند، در مورد کشور ما، چانه در مواضع صدامبرالیستی و صدهیونیستی خود پایدار ماند، همان‌سببستی را اعمال خواهد کرد که ۲۰ سال است در مورد کوبای انقلابی و چندین سال است در مورد ویتنام انقلابی اعمال می‌کنند، یعنی ادامه و تشدید فشارهای اقتصادی تا حد تحریم حرسد نفت ایران. در این زمینه امپریالیست‌ها از حمایت دسبازان خود در عربستان سعودی و دیگر رژیم‌های ارتجاعی کشورهای صادرکننده نفت، بهره‌گیری می‌کنند. امتناع ۱۳ شرکت زابنی از ادامه خرید نفت ایران، که سلطان رابطه با کارتل غارتگر آمریکایی، انگلیسی- هلندی نفت انجام گرفته، حلقه‌ای از ربحر این اعمال فشار اقتصادی است. سادسبب است اگر تصور بود که امپریالیست‌های جهانی، با توجه به امکاناتی که در عربستان سعودی و دیگر کشورهای نفت‌خیز زیر سلط خود دارند، بیش از اعجاز انقلابی در این کشورها به علت احتیاج به نفت ایران، اجباری به بدترین شرایط ایران انقلابی خواهد داشت. دولت ایران باید در زمینه اقتصاد نفت و گاز هر چه رود در این حقیقت را دریابد که گسترش این بخش سراسرم از اقتصاد، هم‌رحبب باصن بازار



بیانیه مشترک

جز پاره کردن زنجیرهای اسارت فریبزدگی و انحطاط از دست ویای فرهنگ ملی ما و بازکردن راه پیشرفت همهجانبه و آزاد فرهنگ مردمی مترقی، با بهره‌گیری از همه ارزش‌های فرهنگی مترقی و مردمی جهان بی‌امون ما، باشد.

ب. آزادی

یکی از سه شعار اصلی انقلاب شکوهمند میهن ما "آزادی" است. میلیون‌ها مردم زحمتکش ایران که از استبداد سیاه سلطنتی خاندان پهلوی و سایر عمال امپریالیسم به جان آمده بودند، برای آن به حرکت آمده و قیام کردند که آن نظام ننگین خودکام را براندازند و نظامی برخاسته از آزادی و مدافع آزادی برقرار کنند.

پس از پیروزی انقلاب، طبقات بهره‌کش و گروه‌های سیاسی بیانگرمناخ این طبقات کوشیدند تا شعار آزادی را نه آنچنان که توده مردم می‌خواستند، بلکه آنچنان که منافع تنگ طبقاتی آن‌ها ایجاب می‌کند تفسیر و اجرا کنند: سازشکاران و تسلیم‌طلبان لیبرال کلمه "آزادی" را برای فریب مردم به کار برده و به معنای آزادی منحرف کردن جمهوری اسلامی ایران به سوی سازش با امپریالیسم جهانی گرفتند و سرمایه‌داران غارتگر به معنای آزادی اسپاست و کاربرد آزاد سرمایه و آزادی بهره‌کشی از کارگران و زحمتکشان و آزادی غارت بی‌سود و بی‌تلفی کردند. تنگ‌نگران و خودسجوران آزادی را فقط برای خود به قصد سرکوب "دگراندیشان" و تحمیل نظر خود طلب نمودند.

تنها نیروهای راستین انقلاب، چهره‌صوف مبارزان مسلمان و چه درصوف پیروان راستین سوسیالیسم علمی، شعار آزادی را به معنای واقعی که بوده، مردم می‌خواستند و می‌خواهند درک کرده و برای استقرار آن بر می‌سازند. این نیروهای انقلابی راستین که با تمام نیرو از ابعاد اسفلال‌طلبانه، آزادستانه و عدالت‌خواهانه خط امام خمینی پشتیبانی می‌کنند، آزادی را برای توده‌های ده‌ها میلیون کوخ نشین، محرومان، مستضعفان، و با کلامی دیگر، برای زحمتکشان شهری روستا، می‌خواهند. آن آزادی که ما پیوندگان راه نوده‌های محروم برایش مبارزه می‌کنیم، از نوعی است که توده‌های زحمتکش میهن ما، به‌ویژه در دوران استبداد سیاه آریاسهری، از آن محروم بوده‌اند. پس آزاد شدن از غارتگری و جاپاول‌گرایی، آزاد شدن از یوغ اسارت سیاسی و فرهنگی نظام استبدادی وابسته به استعمار نو، آزادی از ترس و دلهره دائمی به مناسبت داشتن این یا آن اندیشه اجتماعی، آزادی از بردگی و بندگی، آزادی از گرسنگی، رهایی از بنماری‌ها، آزادی از بی‌خانگی، آزادی از بی‌فرهنگی، آزادی از ستم و محرومیت‌های ملی.

ما با اعتقاد راسخ به حقانیت توده‌های زحمتکش، که ایجادگران همه ارزش‌های واقعی جامعه هستند، بر آنیم که نامین آزادی‌های واقعی برای این توده‌های ده‌ها میلیونی، خواه ناخواه با محدودیت‌هایی برای "آزادی" مورد هواست طبقاتی که بوجود می‌آید برپایه محرومیت این توده‌ها استوار است. توأم خواهد بود. بدون کوتاه کردن دست غارتگران از غارت و جاپاول نمی‌توان توده‌ها را از غارت شدن آزاد کرد.

بدین سان، مبارزه در راه نامین آزادی برای توده‌های ده‌ها میلیونی، جبرا با سرکوب آشتی‌ناپذیر ضدانقلاب، با قطع همه ریشه‌های سیاسی اقتصادی و فرهنگی تسلط غارتگران خارجی، یعنی امپریالیسم جهانی، با انجام زدن به همه خودموران و تنگ‌نگران و قشری‌گرایان، که برای سایر انقلاب‌پویان حقی‌فائل نمی‌شوند و می‌کوشند تا روروداری را جاننشین آزادی برای توده‌ها سازند، همراه خواهد بود. در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران اصول آرزنده و بسیار مهمی در زمینه تضمین آزادی‌های فردی و اجتماعی تثبیت شده است. امام خمینی، رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، هم بارها و بارها ضرورت و اهمیت رعایت این آزادی‌ها را برای همه کسانی که قصد توطئه برای براندازی نظام جمهوری اسلامی ایران را نداشته باشند، تاکید کرده‌اند.

ولی باکمال تأسف جریان اوضاع در کشور ما بخش بزرگی از نکات تصریح شده در قانون اساسی را در زمینه آزادی‌های فردی و اجتماعی، به حال تعطیل درآورده است. بخش قابل توجهی از نیروهای راستین انقلاب، که با تمام نیروی خود در مبارزه برای تثبیت و تحکیم و گسترش انقلاب شکوهمندمان، در مبارزه برای درهم‌کوبیدن توطئه‌های رنگارنگ دشمنان انقلاب به سرگردگی آمریکا، در مبارزه برای اتحاد همه نیروهای راستین هوادار انقلاب گام برداشتنده و برمی‌دارند، از بسیاری از آزادی‌های قانونی محرومند. افراد غیرمسئول، با دستکاری گروه‌های غیرقانونی اعمال‌فشار، دفاتر احزاب و گروه‌های سیاسی را غارت می‌کنند، از فعالیت آنان جلوگیری می‌کنند، به کتابفروشی‌ها هجوم می‌برند، کتابسوزان راه می‌اندازند و از این راه، جو ترس و وحشت را جایگزین آزادی تصریح شده در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران می‌کنند. با بهره‌گیری از همین جو ناسالم است که عناصر وابسته به ضدانقلاب و

نیروهای براندازی، با گذاشتن نقاب ربا و توپیر و داشتن ریش و تسبیح، مانند کتیمری‌ها و کلاه‌ها و نخارزاده‌ها، نه تنها در نهادهای انقلابی و دستگاه دولتی، بلکه در رسانه‌های گروهی و برخی نشریات منتسب به حاکمیت جمهوری اسلامی ایران نیز، خود را جا زده‌اند و با آزادی کامل در سب‌پاشی و نفاق‌افکنی جنبه پایداری نیروهای انقلابی راستین را در برابر ضدانقلاب ناتوان می‌کنند. کارگران و دیگر زحمتکشان شهر و روستا، مانند دهقانان، آموزگاران و پرستاران و غیره، از تشکیل سازمان‌های صنفی، که بمنوان حق مسلم آنان در قانون اساسی ثبت شده است، محرومند، ولی در عوض کلان سرمایه‌داران و واسطه‌ها با آزادی کم‌تظیری به غارت وحشیانه ثروت‌های ملی و محصول کار زحمتکشان مشغولند. گروه‌های فشار، نظیر گروه "حجتیه" در سراسر کشور، و گروه "ثبیت" در غرب کشور و نظایر آن‌ها در دیگر نقاط، با تظاهر افراطی به مذهب، هم‌چو مردم را از ابتدائی‌ترین آزادی‌هایی که، نه به جامعه و نه به هیچ فردی صدمه می‌زند، محروم می‌سازند.

حرب توده ایران و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) مسئولیت پیدایش این وضع را، که بصورت یکی از سرچشمه‌های جدی تهدید برای روند تثبیت و تحکیم انقلاب درآمده است، در درجه اول متوجه طیف پهن‌آور جنبه متحد ضد-انقلاب و پس از آن متوجه عناصر و گروه‌های افراطی راست در حاکمیت و یا در کنار حاکمیت جمهوری اسلامی ایران و عناصر و گروه‌های افراطی "چپ" در جامعه، می‌دانند.

جنبه متحد ضدانقلاب بزرگترین دشمن گسترش آزادی‌های مردمی و توده‌های در جامعه انقلابی ما است. این جنبه در عین اینکه فریادهای طرفداری از آزادی‌اش گوش همه را کر کرده، در واقع خواهان آزادی برای فعالیت ضدانقلاب، یعنی فعالیت آزاد برای براندازی نظام جمهوری اسلامی ایران است. "آزادی" مورد علاقه ساواکی‌ها، بختیار، اویسی، لیبرال‌ها، فطربزاده‌ها، بسی‌صدها از این فحاش است. آنها خواهان "آزادی" برای تدارک کودتای سوز، "آزادی" برای خرابکاری در موسسات اقتصادی، "آزادی" برای سازش با امپریالیسم آمریکا و اروپای غربی و ژاپن، "آزادی" برای همکاری با حکومت‌های مرتجع و وابسته منطقه و بالاخره "آزادی" برای سرکوب نیروهای راستین صدامبرپالیسی و مردمی - اعم از پیروان خط امام خمینی و پیروان سوسیالیسم علمی، هستند. جنبه متحد ضدانقلاب از این تاکیک‌موزورانه خود، یعنی فریاد کسیدن برای "آزادی" از یکسو و تلاش برای ایجاد محیط عدم ثبات، با توسل به همه اقدامات جنایتکارانه - از ترور مسئولان گرفته تا آسزیدن خرمن‌ها، تحریک کارخانه‌ها، فلج کردن اقتصاد کشور، ترویج گرانی، بی‌اعتمادی و غیره - از سوی دیگر، دو هدف را دنبال می‌کند: نخست اینکه، با این اقدامات آفندر حاکمیت جمهوری اسلامی ایران را ناتوان کند، تا بتواند آن را براندازد و راه را برای قدرت رسیدن "دولت میانه‌رو"ی باب‌طبع آمریکا هموار سازد. دوم اینکه اگر فعلا این هدف دسررسیدیر نباشد، ارراه کنار مسئولان واقع‌سین، راه را برای به قدرت رسیدن جناح راست افراطی در حاکمیت، هموار کند. جنبه متحد ضد-انقلاب امیدوار است که اقدامات این جناح راست افراطی، با سرعت و شدت مردم را ناراضی کند و بطور غیرمستقیم محیط را برای توطئه‌های دشمنان جمهوری اسلامی ایران آماده سازد.

رهبری سازمان مجاهدین خلق و دیگر گروه‌های چپ‌رو، که روزگاری از آزادی برای توده‌های مردم، آزادی برای پارک کردن بندهای اسارت ملی و طبقاتی دم می‌زدند، به این خیل ننگین "آزادیخواهان"، که در حقیقت گورکنان آزادی هستند، پیوسته و پیروان گمراه‌شده خویش را به ابزار توطئه‌های خانمان‌برانداز ضدانقلابی جنبه متحد ضدانقلاب مبدل کرده‌اند. نتیجه عملی فعالیت این نیرو همین است که امروز شاهدش هستیم. هر هفته، در خیابان‌های شهرهای ایران و در زندان‌ها، ده‌ها و گاه صدها جوان بانیت آزادی، استقلال و عدالت اجتماعی، از میان گمراه‌شده‌گان کشته می‌شوند و چندین نفر از مبارزان راستین راه انقلاب ترور می‌شوند. ساواکی‌ها و ضدانقلابیون حرفه‌ای و سلطنت‌طلبان و لیبرال‌ها و متون‌پنجم ماژوسیستی آمریکا در کنار این ممرکه خون‌آلود پایکوبی می‌کنند. هم‌اکنون از یکسو صدها نفر از مسئولان درجه اول جمهوری و بسیاری از مدافعان انقلاب و جمهوری اسلامی جان خود را از دست داده‌اند. و از سوی دیگر بیش از یک هزار و پانصد نفر اعدام شده‌اند. ما بار دیگر تاکید می‌کنیم که بسود انقلاب و جمهوری اسلامی است که حساب رهبران را از هواداران نوجوان گمراه جدا کنند. خلق حق دارد و باید دشمنان سوگند خورده انقلاب، خاشن به خلق و گریختگان به آغوش امپریالیسم را بدون کوچکترین معائنات سرکوب کند. در عین حال باید با اتخاذ سیاست آزادی شرایط فراهم آورد که نوجوانان و گمراهانی که خود عامل اصلی راهی که رفته‌اند هستند، به آغوش انقلاب بازگردند. ضرورت کاملاً مبرم انقلاب آنست که از اعدام‌های عجولانه و ناسنجیده مطلقاً اجتناب شود و موازین حقوقی و قانونی در مورد متهمین مراعات گردد. احکام اعدام کسانی که به اشتباه خودی می‌برند و برای دفاع از مردم و انقلاب و شرکت در بیگار صدامبرپالیستی اعلام آمادگی می‌کنند معوق باشد تا در زندان

بیانیه مشترک

به آنان فرصت داده شود که پیرامون راهی که رفته‌اند و وظایفی که در پیش دارند بیشتر بیاندیشند و صداقت خود را عملاً به اثبات رسانند.

حزب توده ایران و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) اطمینان دارند که پایبندی مقامات انتظامی و قضائی به اطلاعیه ده ماده‌ای دادستان کل انقلاب درباره آزادی فعالیت احزاب و گروه‌هایی که قانون اساسی را محترم می‌شمارند کام سیاسی سراسر مهمی است در جهت بازگرداندن آرامش متکی به قانون و عدالت اجتماعی به جامعه.

ما اطمینان داریم که جس کام مهم سیاسی، بخش بزرگی از گمراهان را از خیانتکاران اصلاح‌ناپذیر و هم‌چنین از ساواکی‌ها و سلطنت‌طلبان و حنایتکاران حرفه‌ای جدا خواهد ساخت و کمراهان را بدون ترس و وحشت از مرگ، بدون نوسل به دروغ و ترسک، صادفانه به زندگی معد سیاسی و اجتماعی باز خواهد گرداند.

اطمینان داشته‌باشیم که سطح تکامل جامعه ایران و درجه بلوغ فکری نیروهای انقلاب در پیوند با اهداف و شعارهای اساسی انقلاب تنوع و چندگانگی عقاید و افکار نیروهای مدافع انقلاب را گریزناپذیر ساخته‌است. این تصور که هم می‌توان انقلاب را حفظ کرد و عمیق‌تر کرد و هم حق دفاع از آن را از بخش مهمی از نیروهای انقلابی سلب نمود، اشتباه بزرگی است و تلاش در پیاده‌کردن چنین برداشتی عملاً به‌زیان انقلاب و بسود دشمنان آن تمام خواهد شد.

تاریخ جامعه بشری از بردگی تا امروز نشان داده‌است که نه با ترور و کشتار و نه با اعدام و زندان، هر اندازه هم پیرامه باشد نمی‌توان اعتقاداتی را که در مغزها جای گرفته‌اند، نابود کرد. افکاری که در مغزها جای گرفته‌اند اگر نادرست باشند، تنها از راه ارشاد و اقناع جای خود را به افکار و اعتقادات درست می‌دهند.

حزب توده ایران و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) آن‌عده از "مجاهدین خلق" و "جریک‌های اقلیت" و نظائرشان را، که هنوز صادفانه هوادار آماج‌های ضدامیریالیستی، آزادیخواهانه و مردمی انقلاب مهین ما هستند، مخاطب قرار می‌دهند و با یادآوری مسئولیت سنگین تاریخی کمر دوش دارند، از آنها می‌طلبند که بدون درنگ، با پندگرفتن از گام حسورانه هم‌ریشان سعادت، تمام نیروی خود را برای خشی کردن خیانت رهبران خود و پایان بخشیدن به این فجایع به‌کار اندازند.

به‌نظر حزب توده ایران و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) سود ادامه این برخوردها تنها و تنها به کیسه ارتجاع و ضدانقلاب داخلی و امیریالیست‌های خونخوار حامی آنان سرازیر می‌شود و زیان‌هایی جبران‌ناپذیر آن، مانند آواری به‌سر محرومان، زنان و مردان آزاده جامعه ما فرو خواهد ریخت.

اشاعه ترور ضدانقلابی یک نقشه شوم امیریالیستی برای تضعیف نیروهای ضدامیریالیستی است، مجری این نقشه پلید نشوید رجوی‌ها و خیابانی‌ها با محافل ارتجاعمی و عناصر طرفدار سرمایه‌دارها و فئودال‌ها ساخته‌اند، آنها به انقلاب و به خلق ما خیانت کرده‌اند، آنها را از خود برانید، بدانید که این جمهوری با وجود همه نارسائی‌ها و کمبودهایش در تمام دوران موجودیتش و بویژه در ماه‌های اخیر ضربات دردناکی بر امیریالیسم وارد آورده‌است.

ارزیابی‌های نادرست را از فکر خود بیرون کنید، تبلیغات امیریالیستی را تاور نکند که می‌گویند رژیم در حال سقوط است. حصار فکری را که سازمان‌هایتان با تحریم همه رسانه‌های گروهی ضدامیریالیستی بدور ذهن شما کشیده‌اند، بشکند حرف‌های سعادت را یکبار دیگر بخوانید. همه سخنان را بشنوید و نیکوترین آنها را برگزینید. ارزیابی‌ها و نظرات خود را بر نارسائی‌ها و کمبودها و اشتباهات بخشی از حاکمیت استوار نکنید. ضدیت با امیریالیسم و تلاش برای لجام‌زدن به غارتگری بزرگ‌مالکان و کلان‌سرمایه‌داران را بمیداه قرار دهید. امیریالیست‌ها و مرتجعین همگی خط مشی مجاهدین را می‌ستایند و از رجوی حمایت می‌کنند. تمام کشورهای مترقی و انقلابی از جمهوری اسلامی ایران در برابر توطئه‌ها و تجاوزات امیریالیستی حمایت می‌کنند.

تجربه تمام جنبش‌های انقلابی نشان می‌دهد که ادامه دشمنی با نیروهای که با امیریالیسم می‌ستیزند، بلااستثناء و بدون تردید به همدستی با امیریالیست‌ها کشیده می‌شود و هر چه آن دشمنی کینه‌توزانه‌تر باشد این همدستی ناگزیرتر و در عین حال مخلصانه‌تر خواهد شد. آیا سرنوشت غمبار ما و دارودست‌هایش هنوز هم برای شما درس عبرت نیست؟

حزب توده ایران و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) برای همه مبارزان راستین راه انقلاب ایران غلبه بر اشتباهات و خودمحوری‌ها را آرزو می‌کنند و آنان را فرا می‌خوانند که با تمام نیرو در بازگرداندن آرامش متکی به قانون و عدالت اجتماعی تلاش کنند و با این تلاش راه را برای اتحاد هر چه وسیع‌تر نیروهای خلق، نیروهای هوادار انقلاب هموار سازند. ما آرزو می‌کنیم شرایطی فراهم آید که همه نیروهای ضدامیریالیستی بجای آنکه بروی یکدیگر سلاح بکشند و برای قتل یکدیگر تصمیم بگیرند، توان آنها بیابند که مسایل خود را با یکدیگر از طریق انتقاد خلاق حل‌کنند و جنبه خلق را متحدتر سازند، ما برای فراهم

آوردن چنین فضائی از هیچ کوششی دریغ نخواهیم کرد. حزب توده ایران و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) همه نیروهای راستین انقلاب را مخاطب قرار می‌دهند و از آنها می‌طلبند تا تمام نیروی خود را برای پایان بخشیدن به این فجایع خونین که بدون تردید از طرف دشمنان انقلاب ایران به سرکردگی آمریکا به جامعه رنج‌دیده مهین ما تحمیل شده‌است، بکار اندازند.

بمنظر ما تنها و یگانه راه چیره‌شدن بر این وضع دردناک بازگرداندن آرامش متکی به قانون و عدالت اجتماعی به جامعه است. ما یکبار دیگر پیشنهادهای خود را تکرار می‌کنیم و امیدواریم که مورد توجه مقامات مسئول جمهوری اسلامی ایران قرار گیرد.

بچه ما پیشنهاد می‌کنیم صدور حکم اعدام از طرف دادگاه‌های انقلاب برای کلیه اعضا و هواداران سازمان‌های چپ‌رو، که مستقیماً در عملیات مسلحانه و خرابکاری‌های انجام‌شده دخالت و مشارکت نداشته‌اند، متوقف گردد و از سوی دادستان کل انقلاب به این گونه افراد اطمینان داده شود که در آینده هم، در صورت عدم شرکت در جانیات یادآوری شده، محکوم به اعدام نخواهند شد. در صورت فاصله‌گرفتن از اقدامات تروریستی و عملیات خرابکاری و محکوم کردن آن، می‌توانند در چارچوب قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به فعالیت سیاسی قانونی بپردازند.

ج. عدالت اجتماعی

انقلاب ایران رزیمی را سرنگون کرد که در نوع خود در جهان کم‌نظیر بود بنیاد نظام آریامهری را حاکمیت بی‌بندوبار و غارتگرانه اتحاد شوم و جنایت‌بار امیریالیست‌های آمریکایی، اروپایی و ژاپنی با کلان سرمایه‌داران و بزرگ‌مالکان، به سرکردگی خاندان فاسد پهلوی، تشکیل می‌داد. در جامعه آریامهری دره میان زندگی توده‌های ده‌ها میلیونی محرومان شهر و روستا و اقشار ممتاز جامعه و کارگزاران و دستیارانشان چنان زرف بود که در سراسر جهان به زحمت می‌شد نظیری برای آن یافت. درآمد ماهیانه یک آموزگار و یا یک کارگر ساده حدود ۱۵۰۰ تا ۲۰۰۰ تومان بود، درحالی که درآمد یک سرمایه‌دار کلان بازار از سالی صدها میلیون تومان تجاوز می‌کرد.

سطح درآمد روستائیان بی‌زمین و کم‌زمین از این هم پائین‌تر بود. طبق آمارهای دقیق، میانگین درآمد ماهیانه خانوارهای کم‌درآمد روستایی حدود ۵۰۰ تومان در ماه بود، و آن هم در وضعی که تنها درآمد خالص سالیانه نفت نزدیک به ۲۵ میلیارد دلار شده بود و این ثروت عظیم را انحصارهای امیریالیستی تولید کننده جنگ‌افزار و اتومبیل و اشیاء لوکس و وسائل مصرفی، با همدستی خاندان پهلوی و کلان سرمایه‌داران ایرانی و ساواکی‌های محافظ آنها و فرماندهان ارتش و دیگر نیروهای مسلح و ماموران بلند پایه دولت آریامهری، به تناسب مقام بین خود تقسیم می‌کردند.

انقلاب شکوهمند مهین ما این نظام را سرنگون ساخت. توده‌های ده‌ها میلیونی زحمتکش شهر و روستا، که این انقلاب را به پیروزی رساندند، انجام دگرگونی‌های بنیادی را در جهت تأمین عدالت اجتماعی، یعنی پایان بخشیدن به غارت غارتگران و انگل‌ها و به‌کار انداختن ثروت‌های ملی و محصول کار مردم برای بالا بردن رفاه عمومی، بهداشت عمومی و آموزش عمومی، به عنوان یکی از ۳ آماج اصلی انقلاب و ۳ وظیفه درجه اول حاکمیت انقلابی، خواستار شدند.

اکنون پس از گذشت دو سال و نیم از انقلاب، با قاطعیت می‌توان اعلام کرد: علیرغم کامیابی‌های چشمگیری که در جهت محدود ساختن غارتگری کلان چپاولگران امیریالیستی و خودی انجام گرفته، در زمینه بهبود شرایط زندگی توده‌های ده‌ها میلیونی زحمتکش گام موثر و دگرگون‌کننده‌ای برداشته نشده است. کاملاً درست بود که شهید رجائی به این محرومان می‌گفت:

"شما هم باید فریاد بزنید: رجائی! مستضعفین هیچ چیز گیرشان نیامده."

"ما نگران آن بخش عظیم از اسلام هستیم که باید پیاده شود. ما نگران آن هستیم که نخواستیم مستضعفین ایران را هنوز به‌شان برسیم. هنوز نخواستیم بر متولین که نماز می‌خوانند بگوئیم که نماز شرایطی دارد که تو در این وضع آن شرایط را نداری."

از روزنامه جمهوری اسلامی

۲۳ شهریور ۱۳۶۰

این اعتراف صادفانه را با گزارش مهندس سجایی، رئیس کمیسیون بودجه و سازمان برنامه مجلس شورای اسلامی (۱۷ فروردین ۱۳۶۰) در مجلس، کنار هم بگذاریم:

"بخش خصوصی بدون استثنا سود برده‌است. به اعتراف خودشان در بخش تجارت ... به خود بسته‌اند"

بیانیه مشترک

گفتند سودی را که در این دو ساله بخش تجارت برده است، در تاریخ ایران نظیر نداشته است. پارچه به ۳ برابر قیمت تمام شده به مصرف کننده فروخته شده است. سال گذشته ۱۱ میلیارد دلار اعتبار به بخش خصوصی داده شده است و بخش تجارت چیزی در حدود ۱۲۰۰ میلیارد ریال در سال ۵۹ سود برده است. در بخش کارخانجات خصوصی نیز سودهای کلانی برده اند. برای مثال کارخانجات نساجی چه کار کرده اند. متقال هزینه تمام شده اش، با تمام افزایشی که در نرخ پنبه هست، حدود متری ۶۵ ریال می شود. لیکن تمام کارخانجات نساجی متقال را به متری ۱۷۰ ریال به بانکدارها فروختند و آنها نیز به مصرف کننده تا متری ۲۳۰ ریال. یک سازمان به نام سازمان اقتصاد اسلامی که این اسم را رویش گذاشته الباقی مصنوعی را کیلویی ۶۵ ریال وارد می کند و در بازار کیلویی ۱۸۰ ریال عرضه می کند.

پیامد این غارتگری بی بندوبار، گرانی سرسام آور است که مانند کابوس بر گرده دهها میلیون زحمتکش کم درآمد جامعه ما فشار می آورد و این فشار هر روز سنگین تر و طاقت فرساتر می شود.

اقدامات جداگانه دولت در زمینه مبارزه با این پدیده دردآور، در عین اینکه درست و مورد پشتیبانی است، ولی قطره ای است در دریا و همینطور است مسئله مسکن، مسئله بهداشت.

علیرغم خدمات گرانبهایی که برخی نهادهای انقلابی، مانند جهاد سازندگی، در جهت کمک رسانی به عقب افتاده ترین بخش جامعه ما، یعنی روستاها انجام داده و می دهند، هنوز بزرگ مالکان و خانها اختاپوس وار بر اکثر روستاهای ایران چنگ انداخته، بر حیات روستا حکومت می کند و با جازدن عناصر وابسته به خود در برخی نهادهای انقلابی، از رسیدن نسیم انقلاب اجتماعی به روستا جلوگیری می کنند.

چنین است گوشه هایی از آنچه که در دو سال و نیم گذشته در زمینه تامین عدالت اجتماعی انجام نگرفته، و یا بهتر بگوییم، هنوز دست نخورده مانده است. حاکمیت نمایندگان سیاسی سرمایه داری بصورت دولت موقت و بازارگانها و ایزدیها و صدرها و صباغیانها و پس از آن بنی صدرها و نوریها بر سیاست اقتصادی ایران، شرایط را نه تنها برای ادامه غارتگری زالوهای خون آشام اجتماعی، بلکه برای تشدید بی بندوباری غارتگری آماده می ساخت. غارتگران اجتماعی، یعنی کلان سرمایه داران و بزرگ مالکان، با بهره گیری از دشواریهای ناشی از فشار اقتصادی و نظامی حامیان امپریالیستی شان و با حمایت روحانیت وابسته به طبقات غارتگر، با چنگ و دندان از هرگونه اقدام قاطع در زمینه تامین عدالت اجتماعی جلوگیری می کنند.

علیرغم اینکه مردم انقلابی ایران بسیاری از خواستهای خود را در زمینه تامین عدالت اجتماعی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران تثبیت کردند، در راه اجرای این مواد بسیار مهم از قانون اساسی - اصول ۴۴ - ۴۹ - و ایجاد شرایط لازم برای پایان بخشیدن به استثمار انسان از انسان ... هنوز گامی برداشته نشده است.

بنظر ما سرنوشت انقلاب شکوهمند میهن ما در گرو این تحول سرنوشت ساز انقلاب است. حاکمیت جمهوری اسلامی ایران باید برای درهم شکستن همه توطئه های جبهه متحد ضد انقلاب، که می گوشت توده های میلیونی زحمتکشان را از انقلاب ناامید سازد، به این خواست برحق محرومان، یعنی پیاده کردن اصول قانون اساسی در زمینه تامین عدالت اجتماعی، جامه عمل بپوشاند.

باید با خارج ساختن جریانهای اقتصادی از دست غارتگران سرمایه دار، و سپردن آن به بخش دولتی و تعاونیهای واقعی تولیدکنندگان و مصرف کنندگان، یعنی با تقویت همه جانبه بخش دولتی و تعاونی و محدود ساختن و کنترل دقیق بخش خصوصی، نظام اقتصادی آریامبری را از بنیاد دگرگون ساخت.

همانگونه که تجربه نشان داده است، با شلاق زدن و جریمه گرفتن و یک ماه تبعید کردن کاری از پیش نمی رود، و نیز ارشاد و تحریک بشردوستانه و نوع پروری هم در سرمایه دار زالوصفت تأثیری ندارد. او به این ارشاد می خندد، شلاق را می خورد، جریمه را می پردازد، ولی از همان فردا و با حداکثر پس از بازگشت از یک ماه استراحت اجباری، نه تنها چند برابر جریمه های پرداخت شده، بلکه چندین برابر "حق الدرد" شلاقها را هم از جیب مصرف کنندگان بیرون می کشد. یگانه راه، برقراری یک سیستم دولتی و تعاونی، تدارک و توزیع کالاهای ضرور و محدود نگاه داشتن بخش خصوصی در چارچوب مقررات بخش دولتی و تعاونی است. این تنها شیوه ای است که در دهها و دهها کشور دیگر، که در وضعی نظیر کشور ما بوده اند، موفقیت داشته است.

باید با برقراری هرچه سریع تر و ریشه دارتر یک سیستم مالیاتی مستقیم بر درآمدها، امکان تراکم بی بندوبار ثروت و سرمایه را از زالوها گرفت.

باید اصل ۴۹ قانون اساسی را همه جانبه و قاطع به اجرا درآورد و ثروت بی سابقه ای را که در دست غارتگران گرد آمده، از آنان بازستاند و از راه واریز آنها به صندوق دولت و صرف آنها در جهت تامین خواستهای حیاتی مردم رحمتکش، به صاحبان اصلی اش رسانید.

باید آنچه را که شهید دکتر باهر هنگام تقدیم برنامه دولت خود به مجلس در زمینه لزوم اجرای مواد قانون اساسی در مورد تعیین حدود مالکیت مشروع و عادلانه سال دست، هرچه رودتر عطفی ساخت.

باید مسئله تامین مسکن را جدی گرفت و با برنامه های فوری و درازمدت، گام اساسی در این راه برداشت. همینطور است مسئله تامین بهداشت عمومی برای محرومان، که باکمال تأسف در قیاس با روزهای نخستین پیروزی انقلاب، نه تنها هنوز هیچگونه بهبود محسوس پیدا نکرده، بلکه بطور محسوس بدتر شده است. فداکاری و گذشت قابل ستایش گروهی از پزشکان و کارکنان متعهد به انقلاب در بخش درمان و بهداشت نتوانستند و نمی توانند بر دشواریهای ناشی از عقب افتادگی دهشت آور در این زمینه، چیره شود.

اختیاراتی که امام خمینی در پاسخ نامه رئیس مجلس شورای اسلامی به مورخ ۱۳۶۰/۲/۱۹ به نمایندگان مجلس داده، امکانات فراوانی برای اتخاذ تصمیمات قانونی در جهت تامین عدالت اجتماعی فراهم کرده است. با این پاسخ امام، دشواریهای شبه قانونی که در برابر اجرای تمام و کمال اصول یادشده قانون اساسی، انجام تحول بنیادی در عرصه اجتماعی و تامین خواستهای زحمتکشان وجود داشته، از میان برداشته شده است. اینک بعهده مجلس شورای اسلامی است که از این اختیارات به بهترین وجه بهره گیرد.

حزب توده ایران و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) از هرگام مثبتی که در این سمت برداشته شود پشتیبانی خواهند کرد.

عدالت اجتماعی در زمینه حقوق زنان

زنان میهن ما و یوزره زنان طبقات محروم جامعه سهم بسیار بزرگی در پیروزی انقلاب و در روند تثبیت و تحکیم آن داشته و دارند. امام خمینی رهبر انقلاب بارها اهمیت مبارزه زنان برای تحقق آرمانهای انقلاب را یادآوری کرده اند. زنان جامعه، علاوه بر همه محرومیت های اجتماعی که گریبانگیر همه زحمتکشان میهن ما از زن و مرد است بار محرومیت های اضافی دیگری را نیز بعنوان "زن" در جامعه بر دوش دارند و در بسیاری از زمینه های حقوقی و خانوادگی و کار بعنوان افراد "درجه دوم" زیر فشار آداب و رسوم کهنه و فواسق و مفرات گوناگون که نافی اصل برابری حقوق زنان با مردان در زندگی اجتماعی هستند قرار دارند که دست و پایی آنان را برای شرکت فعال در همه زمینه های کار سازندگی جامعه به زنجیر کشیده اند.

زنان میهن ما را شکل می دهند و بدون شرکت فعال آنان در سازندگی جامعه نوین پیشرفت اجتماعی بسیار کند خواهد بود.

حزب توده ایران و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) خواستار آنند که دولت جمهوری اسلامی ایران با توجه به سنگینی عدالت پژوهانه قانون اساسی همه امکانات لازم را فراهم آورد برای آنکه زنان جامعه ما بتوانند در همه زمینه های فعالیت اجتماعی - در میدان کار و فعالیت های سازندگی، در کار تربیت کودکان و تبدیل خانواده به کانون محبت و احترام مقابل از همه حقوق منکی بر عدالت اجتماعی برخوردار گردند.

عدالت اجتماعی و حقوق ملی خلق های غیرفارسی

کشور ما کشوری است کثیرالمله که در آن از صدها سال به این سو خلق های فارس، آذربایجانی، کرد، سرکمن، بلوچ و عرب در یک اتحاد برادرانه و برای آماج های مشترک اجتماعی و انسانی در جهت بدست آوردن آزادی و استقلال و عدالت اجتماعی و ساختن میهن واحدشان در تلاشند. ولی علیرغم این تلاش مشترک در دوران سلطه نظام جابرانه طبقات غارتگر وابسته به امپریالیسم خلق های غیرفارسی جامعه ما علاوه بر بار محرومیت های ناشی از سلطه استثمار و استعمار و غارتگری جنایت بار طبقات حاکمه بار سنگین محرومیت های ملی را بدوش کشیده اند و از هرگونه حقوق ملی و زمینه فرهنگی و خودگردانی محروم بوده اند.

محرومیت های ملی صرف نظر از اینکه در دروان های معینی امپریالیسم و ارتجاع داخلی توانسته اند این محرومیت ها را پایه ای برای تحریکات خود قرار دهند یک واقعیت عینی جامعه ما است.

پیام تاریخی امام خمینی به خلق کرد نمایانگر شناخت واقعی این محرومیت و لزوم پایان بخشیدن به آنست.

حزب توده ایران و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) بر این عقیده اند که تنها با برانداختن ستم ملی که قربساست بر خلق های غیرفارسی اعمال شده است و تامین حقوق تضییع شده آنان در چارچوب "خودگردانی" و "با خود-

بیانیه مشترک

مختاری فرهنگی و اداری می‌توان عوامل ایجاد تحریک و تشج را از دشمنان انقلاب گرفت و اتحاد داوطلبانه و صادقانه همه خلق‌های ایران را بر اساس دوستی و حقوق برابری تضمین نمود. اتحادی که بدون تردید، یکی از مهمترین عناصر نهات جامعه انقلابی ما و کامیابی‌اش در نبرد علیه دشمنان داخلی و خارجی به سرکردگی امپریالیسم جنایتکار آمریکاست.

نگاهی به واقعه‌های حاکم بر جامعه کنونی، ماریادشواری‌های بسیاری که در برابر رویداد نشیت و تحکم و گسترش انقلاب شکوهمند میهن عزیزمان قد علم کرده‌اند، آشنا می‌سازد. چیره‌شدن بر این دشواری‌ها مسلماً کار آسانی نیست، ولی انقلاب ما، هم در درون کشور و هم در میدان نبرد جهانی علیه امپریالیسم و ارتجاع، از چنان نیروها و امکانات بالقوه و بالفعل و بالقوه‌های برخوردار است که می‌تواند، در صورت بهره‌گیری عقلانی از آنها، همه دشواری‌ها را از سرراه خود بردارد. یکی از عمده‌ترین این نیروها و امکانات، گنجینه عظیم نحارت خلق‌های محروم جهان در سردهای بزرگ خویش برای به پیروزی رساندن انقلاب‌های مردمی است.

بدون تردید انقلاب شکوهمند میهن ما دارای ارزش‌های والایی است که ما به حق بهره‌گیری از آنها را در نبرد خلق‌های محروم توصیه می‌کنیم. ولی تصور این که تنها با تکیه بر این ارزش‌ها، و بدون بهره‌گیری از تجربه دیگر خلق‌ها ما در همه زمینه‌ها بهتر و درست‌تر از همه دیگر خلق‌ها بر دشواری‌ها چیره خواهیم شد، می‌تواند موانع جدی در راه برانداختن دشواری‌های انقلاب ایجاد کند. با کمال تأسف این شیوه برخورد زیان‌آور اکنون در بخش چشمگیری از مبارزان راه انقلاب و حتی در بخشی از مسئولان حاکمیت جمهوری اسلامی ایران بچشم می‌خورد.

واقعیت این است که پیش از ما خلق‌های بسیاری برای ریشه‌کن ساختن نظام‌های پوسیده جنایت‌بار و غارتگر قیام کرده، انقلاب خود را به پیروزی رسانده، آن را نشیت و تحکم بخشیده و گسترش داده‌اند، و پس از ما نیز بدون تردید خلق‌های دیگری به چنین پیروزی‌ها دست خواهند یافت، و هر یک از این خلق‌ها ارزش‌های والای تازه‌ای به گنجینه پیکار تاریخی انقلابی مبارزان راه استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی خواهند افزود. ما باید در همه میدان‌های نبرد اجتماعی و بویژه در نبرد برای احیای دگرگونی‌های بنیادی سود محرومان، از تجارب گرانمای سایر خلق‌ها بهره‌گیری کنیم. این یک واقعیت تاریخی بارها آزمون شده‌ای است، که برپاداشتن یک نظام نو و متکی به عدالت اجتماعی بر ویرانه‌های یک نظام جاگیرانه سرنگون شده، ده‌ها بار دشوارتر و غیرسریع‌تر از براندازی نظام کهنه است.

پیام ما به همه نیروهای راستین هواداران انقلاب

خواهران و برادران و هم‌زمان ارجمند
پیام ما به شماست:

به شما مسلمانان پیرو راستین امام خمینی در حاکمیت و خارج از آن که در برابر توطئه‌های امپریالیسم استوار ایستاده‌اید و با هرگونه مسخ محتوای واقعی انقلاب شکوهمند ایران مبارزه می‌کنید:

به شما زحمتکشان و میهن‌دوستانی که در راه پیاده‌کردن محتوای مردمی قانون اساسی، در راه استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی می‌رزمید:

به شما خلق‌های محروم و ستمدیده ایران که در انقلاب شکوهمندمان، آرزوهای حق طلبانه خود را منعکس می‌بینید.

پیام ما به همه احزاب، سازمان‌ها و گروه‌های سیاسی - اجتماعی صد - امپریالیستی و مردمی ایران - از هر مسلک و عقیده‌ای است.

پیام ما، سبز به شما هواداران راه‌گم‌کرده "مجاهدین خلق" و دیگر گروه‌های جمهوری است که به سبب خیانت برخی از رهبران و اشتباهات برخی دیگر، از حاد انقلاب به کنار افتاده‌اید.

پیام ما به همه شماست:

باید دست در دست هم بزرگترین توطئه دشمنان انقلاب ایران، یعنی توطئه ایجاد نفاق و چنددستگی را در هم شکستیم و جنبه متحد دفاع از انقلاب شکوهمندمان را تشکیل دهیم و همه نیروهای هواداران استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی را در یک سنگر واحد گردآوریم.

هموطنان، برادران و خواهران هم‌زم!

بیایید با اتحاد و اتفاق تاریخی خود جنبه نیرومند و شکست‌ناپذیر دفاع از جمهوری اسلامی ایران و مقاومت در برابر دشمنان پلید آن را سازمان دهیم و طومار همه توطئه‌های کنونی و آینده آنها را در هم پیچیم!

مردم زحمتکش میهن‌مادست در دست هم و با اتحادی کم‌نظیر نظام استبداد سلطنتی وابسته به امپریالیسم را برانداخته، نظام جمهوری اسلامی

برقرار کرده‌اند به این امید که این جمهوری آرزوی دیرینه آنان یعنی استقلال، آزادی، عدالت اجتماعی را تأمین کند. انقلاب شکوهمند این مردم زحمتکش در یکی از مهم‌ترین مناطق استراتژیک جهان، که شریان زندگی امپریالیسم جهانی از آن می‌گذرد، ضربه کاری و جبران‌ناپذیری بر تمام سیستم تسلط‌جابرانه و غارتگرانه امپریالیسم جهانی وارد آورد و به همین جهت از همان نخستین روزهای اوجگیری خود، شدیدترین کین این دشمنان جامعه بشری را علیه خود برانگیخت. امپریالیسم و ارتجاع جهانی، به سرکردگی آمریکا، تا روزی که هنوز بعنوان قدرت بزرگ و خطرناک در جهان وجود دارند، بهیچ‌وجه نمی‌توانند با انقلاب ایران و آماج‌های استقلال‌طلبانه، آزادیخواهانه و عدالت‌جویانه‌اش سازگار باشند.

ما می‌بینیم که اتحاد شوروی، پس از ۶۴ سال که از انقلابش می‌گذرد و با آن که امروز قدرت عظیم شکست‌ناپذیری را تشکیل می‌دهد، هم‌چنان آماج انواع توطئه‌های جنایتکارانه آمریکای جهان‌خوار است. خلق کره بیش از سی سال است که در راه بازیابی وحدت سرزمین خود، برای بیرون‌کشیدن بخش جنوبی میهن خود از چنگال خونین راهزنان غاصب، علیه امپریالیسم آمریکا می‌جنگد. خلق کوبا بیست سال است که با محاصره اقتصادی و دیگر توطئه‌های براندازی امپریالیسم آمریکا در نبرد است. خلق ویتنام سی سال آزار قهرمانانه رزمید تا به استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی دست یافت و هنوز هم مدام، از شمال و غرب و جنوب و شرق، آماج توطئه‌های آمریکا و خائنان چینی و مزدوران آمریکا و چین در کشورهای همسایه خویش است.

خلق آنگولا، که پس از قرن‌هائیرد و خون‌دادن به استقلال و آزادی رسید، امروز دستخوش هجوم امپریالیسم آمریکا و نژادپرستان آفریقای جنوبی است. خلق‌های فلسطین، سوریه، لیبی، یمن، دموکراتیک، اتیوپی، افغانستان و هر خلق دیگری در هر نقطه‌ای از جهان، که توانسته‌است استقلال خود را بدست آورد و در راه تأمین آزادی و عدالت اجتماعی گام بردارد، هدف توطئه‌های راهزانه پایان‌ناپذیر امپریالیسم آمریکا و دستیارانش قرار دارد. خلق فلسطین با اسرائیل آمریکائی دست و پنجه نرم می‌کند، خلق صحرا با شاه حسن، دست‌نشانده دیگر آمریکا، و خلق نامی‌سا با آفریقای جنوبی، دستیار امپریالیسم جهانی، در نیکار مرگ و زندگی است.

مبارزه با امپریالیسم جهانی به سرکردگی آمریکا، دشمن شماره یک جامعه بشری، مبارزه‌ای است طولانی، دشوار و فرج. ساده‌سنانه است اگر تصور شود که با پیروزی ما در این یا آن نبرد جداگانه، مبارزه با امپریالیسم جهان‌خوار آمریکا، پایان خواهد پذیرفت. این دشمن تاکنون توانسته‌است در کشورهای چون اندونزی، شیلی، مصر، کنگو، سودان، پرتغال با کاربرد شیوه‌ها و وسایل گوناگون، انقلاب‌های مردمی را با شکست روبرو سازد. تنها صف متحد خلق آگاه و آماده برای ایثار در مبارزه مرگ‌و‌زندگی است که می‌تواند انقلاب‌ها را از گردن این دشمن شریر جامعه انسانی مصون دارد.

تحریر انقلاب‌های شکست‌خورده گواه بر آن است که هرگونه تنگ‌نگری، خودمحوری و انحصارطلبی در زمینه شرکت در نبرد میهنی علیه دشمنان استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی، فاجعه‌انگیز است و برای نفاق‌افکنی، برادرکشی و سرانجام شکست انقلاب مساعدترین محیط را پدید می‌آورد. در چنین محیط‌هایی است که دشمنان مکار و کارگشته انقلاب عمال خود را به آسانی جا می‌زنند، با کمک آنها نهال‌های نفاق و چنددستگی را آبیاری می‌کنند و به صورت دشمن آشتی‌ناپذیر، تا حد ایجاد برخوردهای خونین برادرکشی، می‌روانند.

مسافرت هیئتی از مسئولان بلندپایه جمهوری اسلامی ایران به کشور سوسیالیستی جمهوری دمکراتیک خلق کره و مذاکرات رئیس مجلس شورای اسلامی ایران با دبیرکل حزب کار کره و رهبر جمهوری دمکراتیک خلق کره، مسافرت نمایندگان جمهوری اسلامی ایران به جمهوری‌های الجزایر و لیبی، مذاکرات وزیر امور خارجه ایران با رهبران کشورهای جنبه پایداری، دیدار هیئت‌های دولتی جمهوری اسلامی ایران از جمهوری دمکراتیک آلمان و جمهوری سوسیالیستی فدراتیو یوگسلاوی، شرکت هیئت پارلمانی ایران در کنفرانس هاوانا و دیدار با فیدل کاسترو دبیر اول کمیته مرکزی حزب کمونیست و رهبر جمهوری سوسیالیستی کوبا - همه گواه بر این واقعیت است که در جهان ما، همه نیروهایی که در یک آماج اساسی و تعیین کننده، یعنی در مبارزه علیه تسلط جابرانه امپریالیسم جهان‌خوار و ارتجاع سیاه جهانی به سرکردگی آمریکا، با یکدیگر شریکند، صرف‌نظر از معتقدات مذهبی، فلسفی و اجتماعی گوناگون خود، جنبه جهانی مشترک عظیمی را علیه امپریالیسم و ارتجاع جهانی تشکیل می‌دهند.

باتوجه به این واقعیت، این سؤال پیش می‌آید که: پس چرا نمی‌تواند همان عاملی را که کم‌ابهل‌سون و حجت‌الاسلام هاشمی رفسنجانی را در یک جنبه علیه دشمن مشترک متحد می‌کند، و با حجت‌الاسلام دعائی را با فیدل کاسترو در عمده‌ترین مسائل مربوط به سرنوشت مبارزه خلق‌ها علیه امپریالیسم، یعنی مسائل مربوط به استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی، به موافقت می‌رساند، در کشور ما به کارگرفته شود تا مبارزان پیرو خط امام خمینی و توده‌ای و فدائیی

یک نمونه عالی ایثار

هنه روزها عاشورا و هنه سرزمین ها گریه‌ناک

● روز جمعه دهم محرم سال ۶۱ هجری قمری حسین بن علی امام سوم شیعیان بود. پیغمبر اسلام و فرزندان امیرالمؤمنین علی را با ۷۲ تن یارانشی سرزمین کربلا را حاضرید که بعدها "کربلا" نام گرفت. به فرمان بردن معاویه خلیفه اموی، و به دستور عبدالله بن زیاد والی عراق، فرماندهی عراقی محمد شهبند باخند و شمر بن ذی الحوشن ضایق از روستای قبیله هوازن حسین بن علی را شخصا سرکشد. پس از آن فاجعه، عمان بنی‌سید که به حق "انصاف" نام گرفته‌اند آتش در حینگاه خاندان حسین و یارانش افکندند و خاندان حسین را به آزارت از عراق به شام (سوره) که تختگاه خلیفه بود بردند و سرهای شهیدان را بر سزدها حمل کردند.

مأزره حسین بن علی بر صد بزیده جنبه اصولی داشت از آنجا که معاویه که خود غاصب مقام خلافت بود، آن را به وراثت به فرزندان برده سپرد. حسین بن علی زیر بار این بدعت بروفت و

● روز جمعه ۱۱ خرداد ۱۳۶۰ در تهران، حسین بن علی بن ابی‌طالب (ع) را در کربلا کشته کردند. حسین بن علی بن ابی‌طالب (ع) را در کربلا کشته کردند. حسین بن علی بن ابی‌طالب (ع) را در کربلا کشته کردند.

بقعه در صفحه ۱۷

پاسخ امام به رئیس مجلس پاسخ به خواست محرومان

● کنگره و بنیاد پاسخ امام به رئیس مجلس ایران و سرخوردگان آمریکا و متحدان آن را پیش از پیش علیه انقلاب و جمهوری اسلامی به تکلیف خواهد انداخت. در این در حالی است که با برداشتن مواضعی از این دست که با پاسخ تاریخی امام از پیش پا برداشته شد توان انقلاب شکوفا شد. مردم ایران در درجه نخست توطئه‌های جنسیه براندازی سرگردانی آمریکا چنانکار از قدرت فرایند‌های سرخوردگان می‌شود.

در صفحه ۲



عاشورای حسینی را به همه شیعیان جهان
تسلیم می‌گوئیم

مانور نظامی امریکا نمایش سیاست جنگ و تجاوز ریگان علیه خلق های منطقه

■ تلاش ریگان و متحدان آن برای برپایی مانور " ستاره درخشان " نمی تواند از مرگ و خاموشی ستاره امپریالیسم جلوگیری نماید . ستاره سرخ رهایی خلقهای جهان تابناک تر از همیشه می درخشد .

در صفحه ۲

حجت الاسلام رفسنجانی: "بدون حضور نیروهای که حاضرند مخلصانه به انقلاب خدمت بکنند کارها به پایان نمی رسد"

■ برآستی که اگر مسئولان جمهوری اسلامی به همان میزان که دشمنان انقلاب را شناخته اند ، از دوستان انقلاب نیز شناخت روشنی می داشتند ، انقلاب و جمهوری اسلامی ایران اکنون در چه پایهای از رشد و شکوفایی که نبود !

در صفحه ۲

کارگران عدالت می خواهند

در حاشیه سخنان وزیر جدید کار که گفت :
" ما به کارگر باج نمی دهیم ولی
ظلم هم نمی کنیم "

در صفحه ۲

جمع بندی ۵ ماهه و ویژگی برجسته لحظه کنونی

در صفحه ۴

فدائیان خلق «اکثریت»

عبدالرسول و محمد دشتیاری زاده

به دستور پروچردی
حاکم شرع دادگاه
انقلاب شیراز و سرپرست
دادگاه های فارس
خودسرانه به جوخه
اعدام سپرده شدند

در صفحه ۱۴



فدائیان خلق «اکثریت»

هادی بغدادی و احمد محبتی

در جبهه های کرخه نور
ود هلاویه در سنگر
پیکار علیه متجاوزین
امریکائی - صدامی
به شهادت رسیدند

در صفحه ۱۵



متحد شوید شو لیسیم!

تخصیصات امپریالیسم امریکا و رژیم صدام را در هم کوبیم

ترکمن صحرا

به مشکلات پنبه کاران منطقه رسیدگی کنید



در این روزها که فصل برداشت محصول پنبه آغاز شده است . پنبه زارهای ترکمن صحرا مورد تهدید کرم غوزه خوار پنبه قرار گرفته اند متأسفانه ارگان های مسئول منطقه نیز تاکنون اقدامات کافی جهت مقابله قاطع با این آفت به عمل نیاورده اند لذا بار پنبه بطور مداوم در حال ریزش است و اگر این وضع ادامه یابد بنظر می رسد که میزان تولید پنبه نسبت به سالهای قبل کاهش چشمگیری پیدا کند . علاوه بر این پنبه کاران منطقه از نرخ تعیین شده برای پنبه توسط دولت (هر پوژ ۱۲۰۰ ریال) ناراضی بوده و اظهار می دارند که ما جهت شخم ، کود ، سم ، تعمیر موتور آب و سمپاش ، گازوئیل ، روغن و غیره مخارج و زحمات زیادی متحمل شده ایم و اگر چنانچه قیمت پنبه با توجه به گرانی و تورم موجود در همین حد ثابت بماند ، فشارهای زیادی بر ما وارد خواهد شد . لازم است مسئولین منطقه هرچه سریع تر به این مشکلات پنبه کاران رسیدگی کرده و در جهت رفع آن بکوشند .

تشکیل جلسه اتحادیه :

اجلاس اتحادیه بدراق -

- گزارش فعالیت شوراهای درمورد هفته جنگ که شورای روستای بدراق ملا به دلیل برخورد فعال ترش مورد تشویق قرار گرفت .
- نظرخواهی شورای کشت از شوراهای منطقه در مورد نرخ کرایه تراکتور برای شخم زمین ها که شرکت کنندگان در جلسه نظر دادند که مناسب است شخم زمین با گاواهن برای هر هکتار ۱۰۰۰ ریال و با دیسک هر هکتار ۵۰۰ ریال منظور گردد .
- تاکید بر فعالیت تبلیغی در رابطه با انتخابات ریاست جمهوری .
- کمبود سهمیه نفت که شوراهای خواستار افزایش سهمیه نفت از طرف جهاد سازندگی و شرکت نفت بودند .
- تهیه سوخت ماشین آلات کشاورزی جهت شخم زمین ها .
- تاکید بر برگزاری مرتب

به مشکلات زحمتکشان روستای کندوله رسیدگی کنید

روستای کندوله در ۲۵ کیلومتری شهرستان کرمانشاه قرار داشته و حدود ۲۵۰۰ نفر جمعیت دارد . این روستا دارای زمین های حاصلخیز و چشمه های آب فراوانی است که با یک برنامه ریزی اصولی و توسعه باغداری در آن می تواند بخشی از میوه های مورد نیاز منطقه را تامین نماید . کندوله نیز مانند اکثر روستاهای کشور دارای مشکلات فراوانی است که در زیر به شمعی از آنها اشاره می کنیم :

این روستا دارای درمانگاه کوچکی است که در زمان طاعون یا هزینه مردم روستا ساخته شده است . این درمانگاه علاوه بر آنکه به هیچ روی تکافی اهالی را نمی دهد ، و هر روز صف های طولی در مقابل آن تشکیل می شود ، دارای اوضاع نابسامانی نیز هست دارو به اندازه کافی نیست ، اکثرآنها در درمانگاه نیست و تنها دکتر آن هم پاکستانی است که زبان مردم را نمی داند و بیشتر مریضها را با یک مسکن مرخص می کند تنها گرمابه روستا که البته شایسته به گرمابه ندارد ، کمتر از دوماه در سال باز است . در مورد برق هم با آنکه در زمان رژیم گذشته با تامین نصف بودجه احداث یک کارخانه برق از مردم ، ساختمان آن را شروع کردند ، اما آن هم نیمه کاره رها شده و اکنون روستا فاقد برق است درمورد آب آشامیدنی هم وضع عینا به همین منوال است از مردم پول گرفتند تا برای آنها آب لوله کشی بیاورند و به ساختن یک منبع و رها کردن آن بسنده کردند نتیجتا اهالی روستا مجبورند آب آشامیدنی خود را از چشمه های که در ارتفاعات نسبتا دوری قرار دارد ، بیاورند و این امر بویژه در زمستان مشکلات زیادی برای آنها ایجاد می کند اما یکی از مهمترین اشکالات این روستا این است که مردم آن دارای هیچ تشکیلی که بتواند اندکی

نابسامانی های آنها را کاهش دهد ، نیستند عده ای از عناصر مرفه و خان زاده ها با نوع متشکل شدن مردم مخالفت می کنند و جلوی تشکیل شورا و تعاونی را مگر آنکه همه امور در دست خودشان باشد ، می گیرند . این مساله باعث شده که مردم از حل کوچکترین مشکل خود باز بمانند و برای تامین مایحتاج اولیه زندگی خود مثل جیره روغن و قند و شکر و غیره تا بیستون بروند که حداقل ۲۰۰ ریال کرایه ماشین و یک روز وقت آنها را می گیرد .

زحمتکشان روستای کندوله با ایمان و اعتقاد به انقلاب و رهبری امام در انتظار آنند که دولت جمهوری اسلامی و بویژه ارگان های انقلابی منطقه نظیر جهاد سازندگی و هیأت ۷ نفری واگذاری زمین هرچه سریع تر به این مشکلات آنها رسیدگی کرده و در کاهش نابسامانی های شان بکوشند .

همه پیرمندان روستائی!

برای تنظیم شناسنامه روستائی با ارگانهای انقلابی همکاری کنید

با تأمین سوخت مورد نیاز برای فصل کشت خواست میلیونها دهقان زحمتکش را تحقق بخشید

"امان گلدی مرادی (ملا امک) و آخوندطلایی گوکلانسی (عضو شورای مرکزی محلات) اشتباهها در بین عوامی جریان ضدانقلابی "شمس" آورده شده بود که بدین وسیله ضمن پوزش اصلاح می گردد .

تصحیح و پوزش :

در شماره ۱۲۵ در مقاله "توطئه عمال کنفرانس آمریکایی طائف در ترکمن صحرا" اسامی

جلسات اتحادیه بنا بر ضرورت نزدیکی آغاز فصل کشت . این جلسه که حدود ۳ ساعت طول کشید با تعیین روستای بدراق ملا به عنوان محل تشکیل جلسه بعدی پایان یافت .

زمین از آن کسانی است که روی آن کار می کنند



تأخیر در اجرای بند
ج و د
به نفع دشمنان انقلاب

بقیه از صفحه ۱۰

رهنمودهای...

به سود سیاست براندازی خود شو استفاده نماید. نقش تفرقه افکنانه لیبرالها در هیئت ویژه کردستان و تاثیر نامطلوب آن بر روند مذاکرات صلح نمونه گویایی از این سیاست است. آنچه لیبرالها در پی آن بودند، تحکیم موقعیت خود و سبلی خوردگان از انقلاب در حکومت بود نه اجرای رهنمودهای امام خمینی

ب - چگونه رهنمودهای امام درباره کردستان توسط تگنگ نگر به فراموشی سپرده شد!

شکست مذاکرات صلح کردستان و ادامه جنگ در منطقه باعث افزایش نقش عوامل منفی در هر دو سو گردید. این وضع سبب شد ناسیونالیستهای افراطی در جریان تشدید خصومت با جمهوری اسلامی ایران هر روز بیشتر به طرف همکاری با ضدانقلاب و رژیم های مرتجع همدست آن در منطقه، بخصوص صدام جلب شوند. و از جانب دیگر عوامل منفی در جمهوری اسلامی ایران که حامل دیدگاهی قشری و تگنگ نگرانه نسبت به حل مساله ملی در کردستان می باشند را تقویت نمود. با اعمال نفوذ در دولت و ارگان های اجرایی منطقه کوشیدند از طریق مخدوش ساختن مرز حقوق حقه خلق کرد با اهداف گروهک های ضدانقلابی، تلاش های مثبتی را که هزار چندگاه برای حل عادلانه مساله کردستان آغاز می شد با شکست مواجه سازند و در این راه تاکنون موفق بوده اند. رهوس عمده سیاست مخربی که از جانب این جریان نسبت به مساله کردستان تاکنون اعمال شده عبارت است از:

۱ - مخالفت با تأمین حقوق ملی خلقی کرد تحت عنوان خواست ضدانقلاب!

سیاست تگنگ نگرانه و قشری نسبت به حقوق ملی و قومی خلق کرد، طی بیش از دو سال همواره از موضع انکار حقوق ملی و قومی خلق کرد در کردستان حرکت کرده است. این دیدگاه اساساً

انکار می کند که در کردستان یک مساله تاریخی جدی به نام مساله ملی وجود دارد که نحوه برخورد با آن نقش تعیین کننده در چگونگی سمت گیری مردم نسبت به جمهوری اسلامی ایران و هر نیروی دیگر ایفاء می کند. طرفداران این بیندیش تگنگ نگرانه مدعی هستند که با سرکوب نظامی گروه های ضدانقلابی و انجام پاره ای اصلاحات اجتماعی در زمینه امور فرهنگی و اقتصادی از قبیل آشنا کردن بیشتر مردم با فرهنگ انقلاب، تقسیم زمین میان دهقانان و ایجاد اشتغال برای بیگاران مساله کردستان حل خواهد شد. این سیاست که هرگونه مرزی میان حقوق ملی خلق کرد و مقاصد شوم ضدانقلاب را مخدوش می سازد، نقش بسیار برجسته ای در سوق دادن توده ها به سوی این گروهک ها ایفاء کرده و خوراک تبلیغاتی لازم را جهت عوام فریبی آنها فراهم کرده است.

۲ - همکاری با عناصر ضد مردمی و دشمنی و عدم همکاری با نیروهای مردمی و مترقی منطقه

آن سیاستی که حل مساله ملی را از راه نظامی دنبال و همه چیز را در پیروزی های نظامی جستجو می کند، چون الزاماً قادر به جلب همکاری توده های وسیع مردم نیست همکاری با هر جریان مشکوک و عنصر فرصت طلبی را که تظاهر به پذیرش مواضع وی کند می پذیرد. در عوض با آن دسته از نیروهای مردمی و مومن به انقلاب که نسبت به درک قشری و محدود این جریان نسبت به مساله ملی موضع انتقادی دارند، دشمنی می کند. و حاضر به هیچگونه همکاری و اتحاد عمل در مقابل ضدانقلاب با آنها نیست

در این زمینه درس های آموزنده فراوان وجود دارد. این جریان علیرغم سوابق شناخته شده عناصری بدنام چون عظیم مبعودی و مراد قطاری همکاری با آنها را پذیرفت و فتوایهای غارتگری چون دکتر خسروی رشید بیگ و جهانگیر دری و نظایر آنها را مسلم نمود.

با تحریک این عناصر ضد مردمی که به عنوان نمایندگان جمهوری اسلامی ایران در کردستان معرفی شده اند فجایعی نظیر قتل عام روستاهای قارنا، قلنهان و ایندرفاش شکل گرفت که جز دور کردن مردم از جمهوری اسلامی ایران و تقویت ضدانقلاب شمر دیگری نداشته است. طرفداران این سیاست، فتوایها و اوپاش منگور را در مهاباد مسلح کردند در بانه دار و دسته ضدانقلابی رشیدخان را در ارگان های انقلابی به همکاری پذیرفتند، و مدت ها در سنج افراد وابسته به روحانی مرتجع مفتی زاده را تحت عنوان پیشمرگ مسلمان کرد به جان مردم انداختند و در مقابل مدافعان این سیاست تاکنون از همکاری با نیروهای مردمی و مترقی منطقه خودداری کرده و در هر فرصت و بهانه ای آنها را مورد افترا و تهمت قرار داده و نسبت بد آنها دشمنی ورزیده اند. آنها برخلاف پیام اول بهمن ۵۹ امام خمینی حتی از اعدام هواداران سازمان خودداری نکرده اند. و اعدام رفقا منصور خسروی و فخری شیدایی در ارومیه به دستور ملاحسنی و اعدام خسرو مائی و شفیع رضائی در سنج، بازداشت دسته جمعی اعضا و هواداران سازمان در میوان و سرانجام مجموع وقایعی که به شهادت رحمان کریمی انجامید از شماتت و دستاوردهای تلخ مدافعین این سیاست تخریبی است. - سایر عملکردهای این تفکر از قبیل محاصره اقتصادی شهرها و روستاهای کردستان که تنها باعث در تنگنا قرار گرفتن مردم محروم و زحمتکش شده و ضدانقلاب با استفاده از مرز طولانی و روابط همه جانبه خود با رژیم صدام نه تنها هیچ آسیب ندیده، بلکه کمبود مایحتاج عمومی سبب گردید تا فروش مایحتاج قاچاق که از عراق توسط ضدانقلاب آورده می شود، به منبع سرشار درآمد ضدانقلاب مبدل شود.

- قطع حقوق کارمندان و بسرقت رفتن هشتاد و چند میلیون تومان از حقوق جمع شده آنها در بانک مهاباد، درپورش مسلحانه ضدانقلاب همه همه مجموعه اعمالی است که هیچ تشابهی با روح پیام امام خمینی درباره کردستان نداشته است تا جایی که می توان مدعی بود که

مسئولین جمهوری اسلامی ایران تاکنون هر طریقی را در کردستان آزموده اند جز کوشش جهت رهنمون قرار دادن پیام ۲۶ آبان امام خمینی و سایر رهنمودهای ایشان در خطاب به جمعی از علماء و روحانیون کردستان در شهریور ۵۹ و یا پیام عفو عمومی اول بهمن ۵۹ امام خمینی.

شهادت رحمان کریمی ضایعات دردناک و درسی آموزنده

در میان فاکت ها و نمونه های بیشماری که بازگو کننده درک محدود و تگنگ نگرانه از مساله کردستان است، بررسی مجموع وقایعی که به شهادت رحمان کریمی انجامید، از اهمیت و برجستگی ویژه ای برخوردار است. نگاهی مختصر به این جریان به روشنی نشان می دهد که سیاست غلط و انحرافی در قبال مساله کردستان و بی توجهی به رهنمودهای امام تاکنون چه ضربات جدی بر پیکر زخم دار انقلاب در کردستان وارد نموده است

پس از پیام عفو امام خمینی به گروه های مسلح در اول بهمن ۵۹، تلاش های امیدبخشی جهت برخورد اصولی با مسائل کردستان آغاز شد که حکایت از رشد واقع گرایی در میان پاره ای مسئولین نسبت به مساله کردستان می کرد. روزنامه جمهوری اسلامی مجموع گزارشی را منتشر ساخت که نشان می داد، سیاست اتکا به نیروهای غیر مردمی چگونه مردم را نسبت به حسن نیت ایران بدبین ساخته و نتایج تاسف آور و منفی برای انقلاب دربر داشته است. پس از آن هیئتی از جانب دولت شهید رجایی به سرپرستی مرحوم آیت الله اشراقی برای بررسی و چاره جویی مشکلات آذربایجان غربی به ارومیه مسافرت کرد. در مورد برنامه مسافرت این هیئت در مطبوعات اعلام شد که پرداختن به مسائل مناطق کردنشین در حدود وظایف آن قرار دارند. این هیئت چندین بار به ارومیه مسافرت نمود و با مسئولین از نزدیک گفتگو و تبادل نظر نمود، مسافرت این هیئت مصادف بود با تشدید اختلاف باند قاسملو با

بخشی از کادر رهبری اعضا سابقه و تعدادی از پیشدرگان که حاضر به نایب سیاست های ضد انقلابی ناسملو نبودند. آنها سراجام با انتشار اعلامیه های افشاگرانه درباره ماهیت ضدانقلابی و وابسته ناسملو حدایی خود را از این گروه خاستگار اعلام کردند. این جریان که در رأس آن رحمان کریمی عضو کمیته مرکزی حزب دموکرات کردستان ایران قرار داشت، سپس اعلام نمود از این پس با تمام نیرو و امکانات از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران در مقابل نوظهور ضدانقلاب دفاع خواهد کرد. انشعاب رحمان کریمی و دوستانش از باند قاسملو با توجه به نفوذ و محبوبیت رحمان در میان مردم بازناب گسترده ای داشت. تا جایی که موقعیت باند قاسملو و سایر گروهک ها را به شدت متزلزل ساخت. برای چند ماه بحران در میان باند قاسملو شدت یافت. هر روز افراد دیگری از مناطق مختلف جهت ترک باند قاسملو اظهار تمایل کرده و خواستار رهنمود بودند. اکنون دیگر گسترش بحران و جدا شدن نیروهای هرچه بیشتر از باند قاسملو بستگی به چگونگی برخورد دولت جمهوری اسلامی ایران با رحمان کریمی داشت. با توجه به اهمیت مساله، اینکه مسئولین تا چه اندازه در مقابل این جریان احساس مسئولیت کرده و از آن حمایت نمایند، برای مردم به معیاری جهت سنجش حسن نیت دولت در قبال سرنوشت خلق کرد بدل شد. در اولین ملاقات هیئت اعزامی با رحمان کریمی که طی چند از مسئولین منطقه نیز شرکت داشتند، مواضع جریان انشعابی و اهمیت حمایت دولت از آن توسط رحمان کریمی توضیح داده شد. در آن جلسه علیرغم حسن نیت افراد هیئت اعزامی، افراد شرکت کننده از نپایداری و برخی از فرماندهان ارتش کوشیدند با طرح مسائل انحرافی از گسترش فضای تفاهم و همکاری جلوگیری نموده و محیطی آکنده از سوطن و تردید بر مذاکرات حاکم سازند. پس از آن تعدادی از مسئولین سپاه پاسداران مرکز جهت بررسی بیشتر مساله چندین بار به



سال سوم - چهارشنبه ۲۵ آذر ۱۳۶۰

شماره ۱۴۰ - ۲۰ صفحه - ۳۰ رسال

به مناسبت منتهای حماسه آفرین و نفریند (مطلع الفجر))

آفتاب پیروزی در جبهه های غرب نیز می درخشد

● انقلاب شکوهمند ما در ادامه پیروزی های حماسه آفرین خود با "مطلع الفجر" هایش خواب "قادیسیه صدام" را برهم می زند و افول "ستاره درخشان" امیرالایم را نوید می دهد.
در صفحه ۵

ارگان سراسری سازمان فداپسایان خلق ایران (اکثریت)



به یاد همه شهدای لهریزان جبهه‌های
جنگ تحمیلی و در تحلیل از مقاومت حماسه آفرین
رزمندگان جبهه‌های نبرد

از مقاومت ایشان گرانه خلق تا حماسه‌های ظفرمند

